

# مسائل اساسی انقلاب را ملاک قرار دهید و بر اختلاف نظرهای فرعی غلبه کنید

اینک دستور لزوم یک تفاهم اصولی و انقلابی بین مسئولین امور کشور و گردآیندگان قوای مختلفه مملکتی، لزوم پایان دادن به دعوی قدرت و آغاز کردن تقویت و تحکیم اساسی جمهوری اسلامی ایران بر همه آشکار شده است. چنانچه ما از این همه دوپیمزنها، بکه - تا زینها، انحصار زطلیبها، تک رویها - آنهم بعد از آن انقلاب عظیمی که میلیونها مردم بکدل و یک جان در آن شرکت داشتند - بجان آمده است برای بسیاری از مردم این وضع، این اشیاء متقابل، این کروشها، این قدرت طلبیها قابل درک و قابل تصور نیست، بویژه که هر نوع ریشه ساسی با ضیقاتی آن انکار نمی شود و در نتیجه عملاً بیشتر به یک دعوی پرجنجال بر سر ارت شانه پیدا می کند و لذا نمی توان آنرا تبادل نظر و حتی اختلاف نظر، بیان عقیده نقد در صفحه ۲

## وظایف مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی ایران وظایف بس خطیری در قبال انقلاب شکوهمندمان دارد، که اهم آنها در لحظه کنونی کمک به تشکیل دولت جمهوری اسلامی ایران و تحویب برنامه آنست. در مصاحبه اختصاصی که چند روز پیش، رئیس مجلس، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، با روزنامه جمهوری اسلامی داشت، به بعضی از این وظایف اشاره شده است. بخشی از وظایف مهم مجلس شورای اسلامی ایران مربوط به خود مجلس، شیوه کار و طرز اداره آنست. مردم رزمده ایران به حق انتظار دارند که فعالیت این مجلس، که مولود انقلاب شکوهمند ایرانست، با عملکردهای مجلسهای زمان طاغوت از ریشه و بن فرق داشته باشد. این امر نه تنها در ترکیب مجلس، بلکه همچنین در شیوه کار و نحوه اداره این ارگان مقتنه باید منعکس گردد. البته باید استقلال رای و بیسند انقلابی ضرورتی را مشخصه مجلس شورای اسلامی ایران باشد. اما این

## ملاقات قاسملو با بختیار

دراواخرنبر ماه (حدود ۲۸ تیر)، قاسملو در محلی بنام "قلعه دیزه" در عراق، با بختیار خاثن ملاقات و مذاکره داشته است. در این ملاقات قاسملو و بختیار بر سر چگونگی سرنگون کردن جمهوری اسلامی ایران، گفتگو و توافق کردند. ملاقات و مذاکره این دو مزدور برای هماهنگ کردن توطئه ها میان علییه انقلاب ایران، جمهوری اسلامی ایران و خلق کرد، شکستی بر نمی انگیزد. هم قاسملو و بختیار را به حال بخوبی به وظایف محوله خود در این جهت عمل کرده اند. اولی تلاش جهت کشتن خلق کرده جنگ با جمهوری اسلامی ایران و دومی با تلاش جهت سرنگ کردن یک کودتای خونین و کشتار تازه میلیون نفر از مردم ایران و سازماندهی توطئه های رنگارنگ دیگر. هر دو عامل رسوا و سرسیرده آمریکا و هر دو دشمن سوگند خورده مردم ایران و انقلاب اند و گفتگو و مذاکره این دوسر را تدارک توطئه های خاثنانه دیگر نیست. اقدامی در همین جهت است اما جالبست ببینیم که قاسملو و همفکران وی، که مدعیند برای "کسب حقوق خلق" خلق کرد "مبارزه می کنند، چه جایی برای "حقوق خلق کرد" در مذاکره و ملاقات با بختیار رجنای تکرار قائل هستند و اینرا چگونه به خلق کرد توضیح میدهند؟ جالبست ببینیم که خلق کرد، که خود بسهم خویش در بیرون راندن بختیار، این بی اختیار امیرالکلیسم آمریکا، نقش شما بیان داشته است، در مورد دیکر سرسیردگان بی اختیار امیرالکلیسم چون قاسملوها، که می گویند دشمنان خلق کرد را بطریقی دیگر به درون آورند، چسه خواهد کرد؟ بیگمان قاسملو، این عامل بعست عراق، ناتوا امیرالکلیسم آمریکا، که ردیلاتنه به خلق کرد دروغ می گوید و خنجر خیانت در پشت سر او تیز می کند، سرنوشتی بهتر از بختیار، معذرا و... نخواهد داشت.

## اوباشان قاسملو به دفتر حزب توده ایران در مهاباد حمله کردند

در پی افشاکاری "نامه مردم" در مورد وابستگی قاسملو به جنایتکاران نفعی عراق، اوباشان گروه قاسملو، که از خشم دیوانه شده بودند، در تاریخ ۱۷ مرداد ماه ساعت ۱۱/۳۰ صبح، به دفتر حزب توده ایران در مهاباد حمله کردند و پس از مغلوب ساختن عده ای از اعضای حزب توده ایران، وارد دفتر شدند، کتاها و اعلامیه های موجود را به آتش کشیدند، میزها و صندلیها و دیگر وسایل را غارت کردند و به خانه های خود بردند. در جریان هجوم اوباشان، سه تن از رفقای ما بینا میهای قاسم خوشی، مصطفی تانیر و قاسم نقیه در صفحه ۸



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۰۵  
دوشنبه ۲۰ مرداد ۱۳۵۹، شماره ۱۵ ریا

## تدارکات نظامی آمریکا در خلیج فارس گسترش می یابد

اقتیانوس هند و خلیج فارس سالهاست که به سبب موافقت استراتژیک و نظامی خود، نقش برجسته ای در سیاست جهان شمال امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، بازی می کنند. امپریالیسم آمریکا همواره کوشیده است، تا با حضور نظامی خود و خوش خدمتی ژاندارم هایش در این منطقه، به ادعای خویش به حفظ به اصطلاح منافع خود بپردازد، و در واقع شرایط ادامه چپاول منافع نفتی کشورهای منطقه را فراهم آورد. با اصطلاح منافع امپریالیسم آمریکا در سواحل جنوبی کنورما همچنین مقابله با جنبشهای آزادی بخش ملی، به ویژه انقلاب ایران را در بر می گیرد. سرنگونی رژیم شاه نه تنها پایه های سلطه اقتصادی، سیاسی و نظامی امپریالیسم آمریکا را در میهن با ریشخند کرد، بلکه هم چنین به منزله سقوط سرژاندارم پنتاگون در منطقه بود. به همین دلیل نیز آمریکا پس از پیروزی انقلاب ایران، تلاش خود را برای یافتن مواضع جدید استراتژیکی شدت بخشید و به تحکیم شبکه گسترده پایگاههای نظامی خود دست بازید. پنتاگون، که از نخستین لحظات پس از پیروزی ۲۲ بهمن، اندیشه بازبانی سنگرهای از دست داده را در سر می بروراند و سیاست ماصحه آمیز و سازشکارانه "دولت موقت" نیز آنرا در تحقق این آرزو تشویق می کرد، خلیج فارس را به یکی از مهم ترین حلقه های زنجیر محاصره ضد انقلابی خویش سد ساخت. چنان که ناخدا یکم بهرام افضلی، فرمانده نیروی دریایی ایران، در مصاحبه ای با "کیهان" (شنبه ۱۸ مرداد ۱۳۵۹) به درستی یادآور شد: "هدف اصلی آمریکا از حضور این چنین گسترده آمریکا در منطقه، دو اصل کلی است: یکی جلوگیری از گسترش انقلاب اسلامی ایران به کشورهای هم جوار و دوم به خاک و خون کشیدن انقلاب ایران". امپریالیسم آمریکا به راستی از این که دیگری خلق های منطقه، به ویژه جنبش آزادی بخش کشورهای عرب، با رهایی از بند رژیم های دست نشانده آمریکا و دیگر امپریالیست ها، ضربه های سهمگین دیگری بر بیکر شومش فرود آورند و چپاولگری را در بخشی دیگر از جهان محدود سازند، به وحشت مرگ افتاده است. از سوی دیگر، تعمیق انقلاب ایران و اندیشه از دست دادن ایران برای همیشه، آن را به تلاش دیوانه واری واداشته است. لشکرکشی مستمر پنتاگون به خلیج فارس و اقتیانوس هند بخشی از سیاست انقلاب شکنانه کاخ سفیدنشینان است. هارولد براون، وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا، چندی پیش در مصاحبه ای مطبوعاتی با نشریه "یو. اس. نیوز اند ورلند ریپورت" اظهار داشت که، در سالهای آینده نزدیک، دولت آمریکا هر ساله ۵ میلیارد دلار برای تسلیحات و واحدهای نظامی مستقر در منطقه خلیج فارس تخصیص خواهد داد. ژنرال کرلی، فرمانده "سپاه واکنش سریع" اعلام داشت که قادر

## رادپوهای ضد انقلابی بختیار و اویسی (سنگ زرد و شغال در خدمت یک هدف شیطانی)

نوشتیم که توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران چندجانبه است و بعدهای مختلف را در بر می گیرد. نوشتیم که تئوری امپریالیستی حرکت بر روی دوپایه امپریالیسم و مانوئیسم - به نحو امریکامنشانه ای علیه جمهوری اسلامی ایران دارد پیاده می شود. نوشتیم که دو پای دیگر امپریالیسم آمریکا "سوسیال دموکراسی بختیار" و "فاشیسم نظامی اویسی-پالیزبان" است و هر روز شاهد نمونه های مختلف این واقعیت هستیم. هجوم تبلیغاتی از راه رادپوهای با نام "ایران" و در واقع صدرصد امریکایی، یکی از بعدهای توطئه است. در این بعد هم امپریالیسم آمریکا همه تخم مرغها را در یک سبد نمی گذارد و به خیال خودش می خواهد روی هر دو پا راه رود. رادپوهای ضد انقلابی با پول امریکایی، هر سنگ قافه ای برای خود می گیرند و می گویند خود را مجزا از هم ولایت "مستقل" اجازت بزنند. یک رادپوی ضد انقلابی به ظاهر صدای بختیار است و جانب دار سوسیال دموکراسی، یعنی از نوع همان حکومت های امپریالیستی برخی از کشورهای اروپای غربی را وعده می دهد که در واقع نه اجتماع گرا هستند نه خلق گرا، و کمترین رابطه ای نه با سوسیالیسم دارند نه با دموکراسی و برخی از دولت مداران ما امید به آنها بسته اند، و لسی هنر اصلی آنها اینست که با پینه سر می برند. زیر این شکل رادپوی ضد انقلابی مزبور محتوی نقشه براندازی آمریکا را تعقیب می کند و بی چون و چرا دشمن انقلاب و مردم است. بی اختیار مزدور خاثنی چون بختیار در تقسیم کار امپریالیستی هجوم تبلیغاتی است. یک رادپوی ضد انقلابی دیگر به ظاهر صدای اویسی است و جانب دار حکومت قوی و مشت نیرومند مرد ارتشی (!) یعنی از نوع حکومت های نظیر سرهنگان سپاه یونان یا کودتا گرانی که امریکای لاتین یک دوجین آن را به معرض تماشا گذاشته و وعده می دهند که گویا آرامش و امنیت و ثبات را به همراه خواهند آورد. این رادپوی ضد انقلابی هم همان محتوی نقشه توطئه براندازی آمریکا را منتهی به شکل دیگر به انجام می رساند و درست مانند همراش دشمن انقلاب و مردم است و صد البته کمترین رابطه ای با راستی و امنیت و ثبات واقعی ندارد، زیرا که نقیه در صفحه ۲

## برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!



# حجت الاسلام رضوانی نماینده امام در پادگان نوزه: آمریکادست از توطئه بر نمی دارد و حالاهم دست اندر کار توطئه است

حجت الاسلام رضوانی، نماینده امام در پادگان نوزه، در یک گفتگوی رادویی، که در روز چهارشنبه ۵/۱۵ پخش گردید، نظر خود را راجع به توطئه کودتای آمریکایی بیان داشت. حجت الاسلام رضوانی گفت:

"من یقین دارم که با توجه به موضع خاص ضد امپریالیستی انقلاب ایران، مخصوصاً ضد امریکایی آن، امریکا که در رابطه با ایران و آن نقشه نظامی اش دچار یک شکست بسیار بزرگ جهانی شد و افتضاح بسیار بزرگی را استیصال کرد، دست از توطئه بر نمی دارد. و حالا هم دست اندر کار توطئه است. من فکر می کنم که چون کشور عراق، این صدام کثیف خود مزدوری است، از وجود این واز این که حکومتش در دست اضمحلال است و ارتش او در دست منلاشی شدن، بخواهد این جا را بصورت یک منطقه ناامن در بیاورد، تا منطقه خودش از خطرهای احتمالی این منطقه محفوظ بماند. و امریکا از این مجال و فرصت سوء استفاده می کند و چه بسا امریکا با سوء استفاده از عراق و یا بعضی از این عوامل تحت استعمار خود یک نقشههایی را پیدا کند. ملت ایران باید همیشه آماده باشند و الان پرسنل پایگاه هم باید همیشه مهیا باشند و الان حتی در سخنرانی همین امروز ظهر، من به پرسنل اعلام کردم که صد درصد در هم وقت آماده باشند و هر زمان این احتمال را بدهند که دشمن در حال پیداه کردن نقشه است و اینها درصد ختنی کردن نقشه و توطئه باشند."

حجت الاسلام رضوانی در مورد توطئه طیس و ارتباط این توطئه با توطئه پایگاه نوزه گفت:

"کارهای امریکا یک کارهای زنجیرهای است. ما دیدیم که در توطئه طیس هم دست خائنین ارتش در کار بود. ما در جریان طیس، برنامه مهرباد و غیره را فراموش نمی کنیم. ما متاسفیم که چرا هنوز هم شادیم مانده است. ما متاسفیم که چرا باقری را هنوز نگه داشته اند. و حتی از باقری دفاع می شود. من اعتقاد این است که در قضیه طیس، که توانستند از خائنین در ارتش سوء استفاده کنند و در این قضیه هم توانستند به این علت که در قضیه طیس خائنین تعقیب نشدند و ماندند، آنها جرات و جسارت پیدا کردند. حالا که در مملکت هیچ خبری نیست، پس ما انجام بدهیم. این قضیه دوم نتیجه جرات قضیه اول بود. در قضیه اول کدام عامل دستگیر شد؟ چرا عامل بمب باران آن هلیکوپترها، چرا عامل قتل آن پاسدار تعقیب نشدند؟ چرا مردم را در جریان این مسایل قرار ندادند. اعتقاد من این است که ایران زمان شاه را، که همه در رابطه با خیانت به مملکت امیر شدند، این امیرها را کنار بگذارند. این امیرها خدمت نخواهند کرد. اگر خیانت نکنند مزدورند. حالا مزدور خودیاند، اگر مزدور بیگانه نباشند. من اعتقاد این است که این امیرها را بردارند. این امیرها هیچ کدام آن ها خدمتی به این مملکت نخواهند کرد."

س- در مورد واقعه طیس آیا رخ دادهایی در این پایگاه بوجود آمد که نشان دهنده جریان با آن واقعه باشد؟

حجت الاسلام رضوانی: "بله، حتی یک زنی که ما چقدر گفتم که او را تعقیب کنند و تعقیبش هم نکردند، گفته بود: "من یقین دارم دیدم و خوابم این است که تا روز جمعه انقلاب ایران شکست می خورد" و به تعبیر او: "خمینی هم از بین می رود و شاهنشاه هم تشریف می آورند. اگر هم اینطور نشد، دست من را قطع کنید". البته تا به حال دستش قطع نشده و از رادار هم مطالبی گرفته شده بود، که آن مطالب بیانگر این بود که نقشههایی در دست اجراست، توطئههایی در دست انجام است. اما اینها چون رابطهای نداشتند، نمی توانستند بفهمند که این مسایل و این قضایا در چه رابطهای مطرح می شود و در خود پایگاه هم گفتگوهایی هم بود که: "بیله می آیند" و یا "اگر این حکومت آخوندها پایان نپذیرفت". یکی از برنامههایی که برای اجرای این توطئه می کردند این بود که من از پایگاه بروم بیرون و یکی از کسانی که نقش موثر داشتند تیمسار باقری بود. و این دلیل بر اینست که تیمسار باقری دارای نقش مهمی در بوجود آوردن این توطئه بوده. من نمی دانم چرا هنوز هم هست و ازو حمایت می شود."

س- در مورد عواملی که در این جا اشاره فرمودید، در این پایگاه، آیا اینها شناخته شده اند یا نه؟

حجت الاسلام رضوانی: "البته این کسانی که

ایموت کنند، آن زنه هستند، ولی بیش اهمیت ندادند. البته باید بگویم که این شوهرش یک استواری بود که در رژیم گذشته بخاطر خانش ۲ تا ۳ تا گماشته داشتند، که حالا اینها همه چیز را از دست داده اند. یک استوار، جای این سوال نبوده که چرا یک استوار خانمش فقط یک دوزندگی داشته. مثلا ۲ تا ۳ تا گماشته داشته باشد. همان خانم گفته این خواب را دیدم. نه، آن خانم را هم تعقیب نکردند. ما به بالا هم گفتمیم به پایین هم گفتمیم. به مقامات مسئول، که حالا بعضیها را هم اسم نمی برم، گفتمیم. خدا ملت را از خیانت آنها حفظ کند."

س- آیا در جریان این توطئه دلایل و شواهدی به دست شما رسیده که بیانگر همکاری بعضی از افراد و شخصیت های نظامی و غیر نظامی، که هنوز هم بعضیشان در مصدر امور هستند، بوده باشد؟

حجت الاسلام رضوانی: "با توجه به اینکه بختیار یک فردی بود که ادعای ملی گری می کرد واز جبهه ملی هم انتخاب شده بود و آنها یکی از روسای این توطئه بوده و کسانی هم که دم از ملی گرای و ناسیونالیستی می زدند دست اندر کار این توطئه بودند، اینطور استنباط می شود که بله اینها روابطی داشتند و به اضافه همه اینها یعنی که دست اندر کار این برنامه قرار گرفتند، اینها در رابطه با تایید تیمسار باقری بودند و خواسته های آن را می خواستند. و اینطور استنباط می شود که تیمسار باقری از این مسئله بی خبر نبوده با توجه به اینکه من یکی از نامه هایی را که تیمسار باقری امضا کرده بود، از طرف تیمسار شادیم بود، کلیه افرادی که در سازمان ضداطلاعات کار می کردند، که یکی از آنها که اسمش "قابرساری" بود، که یکی از زشت ترین چهره های ضداطلاعات و خیانتکار به اسلام بود و به انقلاب بود، اینها برگردند این طور استنباط می شود که برگشتن آنها از طرف تیمسار باقری و شادیم هم، خودش یک نقشه کاملا حساب شده بوده که اینها برگردند و در مورد برگشتن اینها حتی نوشته بود که به کار عودت داده شوند، یعنی اول همان کارشان را انجام دهند، خوب اینها نشانگر آنست که اینها می خواستند یک برنامه را پیاده کنند و دست اندر کار بودند. همین افسرانی که اینجا بودند، مورد تایید باقری بودند و اینها هم از باقری تایید می کردند و در جریان مخالفت با روحانیت و اینها، اینها نقش داشتند و در جهت انقلاب اسلامی هم اینها یک قدم به نفع بر نداشتند و با اضافه بعضی از فرماندهان هم مثلا در زمان این سرهنگ صغری، من مرتب راجع به اینها می گفتم، این بعضی که حالا اسمشان را نمی برم، چون هنوز دستگیر نشده اند و قرار است دستگیر بشوند، مرتب می گفتم اینها را بگیرد، اینها اخراج شده اند، چرا از اینجا بیرون نمی کنید؟ و من احتمال زیاد می دهم اگر در جریان طریقات دیگر، مثلا زمانی که در تبریز آن قضیه اتفاق افتاد، مال خلق سلمان، همان موقع که توی این پایگاه اعلام شد که من اعتراض کردم و این قضایا دنبال می شد، به این جا ختم نمی شد و اگر این قضیه را هم بخواهند کوتاه بگیرند، سخت نگیرند، باز هم سر از توطئه های بزرگتری در خواهد آورد."

س- شما این کوتاه گرفتن و نرسیدن به این موارد را دقیقا می توانید برای ما توضیح دهید، علتش را چه می دانید؟ و باعث این کار را در کجا می دانید؟

حجت الاسلام رضوانی: "من علت این کار را وجود بعضی از این امیران خائن می دانم و که آمدن اینها بر سر کار و اخراج نکردن آن عناصر فاسدی که در بین پرسنل مختلف، حالا چه افسرها و چه دیگران، اینها باید اخراج می شدند و خواسته بودند که اخراج بشوند، اخراج نشدند، اخراج شده ها را برگرداندند و آن بالا هم آنها طوری توانستند نقش پیاده کنند که مورد تایید بعضی از مسئولین مملکت قرار بگیرند و چون بعضی از ارتش ایران را، در بین آنها هم نیستند که وضع آنها را بدانند، اینها را مورد تایید قرار می دهند، کار بدین جا منتهی می شود."

س- این مسئولینی که شما بهشون اشاره کردید، آیا شما این مطالب را به اطلاع آنها هم رساندید؟

حجت الاسلام رضوانی: "ما به سلسله مراتب این مطالب می گفتمیم"

س- از نظر شما چرا اقدامی نمی کنند؟

حجت الاسلام رضوانی: "صرفا سهل انگاری و شاید باور نکردن به انقلاب برای بعضی از آن سرمدارها. البته نه مسئولینی که الان مسئولین مهم مملکتی هستند، چون آنها احساس مسئولیت می کنند، ولی شاید خوش باور باشند."

س- خلی متشکر از این توضیحاتتان. در آخر می خواستم از شما بپرسم اگر اطلاع دارید درباره انگیزه و دلیلی که باعث شد این افراد توطئه گر در این توطئه شرکت کنند، برای ما توضیحاتی بفرمایید؟

حجت الاسلام رضوانی: "علت اساسی اش این بود که اینها از انقلاب اسلامی ایران ضربه بسیار مهمی خورده بودند، خیلی از امتیازاتشان را مانند داشتن گماشته و عیاشی و بی بندوباری و فساد و نهای، و اینها این امتیازاتی را که آنها برای خودشان امتیاز فرض می کردند، از دست دادند. و اینها برای باز یافتن یک چنان آزادی در بی بند و باری دست اندر کار تلاش هستند، از اینکه در جمهوری اسلامی بخواهند افرادی منز و پاک باشند رنج می برند، از اینکه آزادی برای عیاشی و کباباره. اینها عکس هایی از همین افسران دستگیر شده هست که با زنهایشان قتل در این باشگاهها چه می کردند. هنوز عکسهایشان را ما داریم. ماسک می زدند و همه مرد و زن درهم می ریختند و همه از هم استفاده های ناشروع می کردند. اینها را از دست دادند. ناراحتند. حالا یک برنامه پیش می آید که احتمال می دهند و یا یقین دارند که اگر یک برنامه آن چنانی پیش بیاید، در آن برنامه این بی بند و باریها تامین می شود و آنها هم در بی بی بند و باری شرکت می کنند."

س- با در نظر گرفتن این مطالب که اکثر این افرادی که در این توطئه شرکت داشتند تا قبل از توطئه مصادر اموری بودند و انجام وظیفه می کردند به ظاهر برای جمهوری اسلامی و با توجه به این مطلب که اینها در سالیان دراز زیرافکار شاهنشاهی و طاغوتی بودند، آیا شما چه پیشنهادی می کنید برای ساخت دوباره این افراد؟ و یا بازسازی ارتشمان؟

حجت الاسلام رضوانی: "من اعتقاد بر این است که ارتش از نظر مکتبی باید رویش بسیار بسیار کار شود. باید در بین پرسنل مختلف نیروهای مسلح اطلاعاتی توجیهی از نظر انقلاب بگذارند. اینها هنوز انقلاب را نمی فهمند. اینها در آغوش امواج انقلاب قرار گرفتند. بعضی تسلیم شدند با رضایت، بعضی تسلیم شدند با زور، بعضی ناچار شدند به تسلیم. و اینها بسیاریان انقلاب را باور نکردند، و اگر انقلاب را قبول کردند، انقلاب را نشناختند. باید از نظر مکتبی کار زیادی بشود و عناصر فاسد ارتش هم تصفیه بشود، یعنی ارتش درش تصفیه خیلی صورت بگیرد و ملاحظه این نکند افرادی که متخصصند حالا قاسد هم باید باشند. برای این که اینطور نیست که بعضی از کارها طوری باشد که از عهده دیگری بر نیاید. و اگر چنین افرادی را هم بخواهند نگه دارند، باید روی دست آنها مراقب بگذارند و اگر تصفیه، از طرفی تصفیه آگاهانه، تصفیه حساب شده، با همه آینه نگریش انجام بگیرد و از نظر مکتبی هم روی ارتشها کار شود، در بازسازی ارتش نقش بسیار موثری دارد. و با اضافه این لازمه اش اینست که نهادهای رژیم طاغوتی را، که بر مبنای تبعیض هست، در ارتش و تبعیض در حد فراوانی در ارتش هست، این را از بین ببرند. الان در ارتش ما هم گروه گرایی پیدا شده، هم تبعیض. اگر مکتب اسلام را، آن گونه که هست، پیاده کنند و اختلافاتی را که در بین برداشتهای سران این قوم هست از بین ببرند، یک ارتش مکتبی از سویی بسازند، مسئولین هم کار کنند تا ایجاد بدبینی در بین ارتشیها نشود و نهادهای طاغوتی را از بین ببرند و تبعیض را، تبعیض را که از همه چیز مهمتره از بین ببرند، این ارتش بازسازی خواهد شد و در خدمت اسلام و ایران خواهد بود."

س- از نظر شما، آیا تا زمانی که این ارتش به این ترتیب که شما فرمودید، یعنی بازسازی مکتبی و همچنین تصفیه ها، تا زمانی که این تصفیه ها صورت نگرفته، آیا می توان تکیه کرد به این ارتش؟

حجت الاسلام رضوانی: "من اعتقاد بر اینست که بر کل ارتش نباید تکیه کرد، اما ما موثیم که نیروهای انقلابی در ارتش حافظ منافع این مملکت خواهند بود."

## تشدید گرایشهای فاشیستی در اسرائیل

کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل جندی پیش هشدار داد که، نشانه های جدی گرایش های فاشیستی اسرائیل را تهدید می کند و همه احزاب کارگری و نیروهای سیاسی آزادی خواه و صلح دوست آن کشور را فراخواند، تا با اتحاد عمل خود، در راه پیشگیری از خطر فاشیسم کوشا باشند. قطعنامه سیاسی پلنوم فوق العاده کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل، که از جمله فراخوان تا مبرده را در بر می گیرد، می فرماید:

رژیم اسرائیل، بویژه دولت لیکود، که نماینده بورژوازی بزرگ و افراطیون راستگراست، کشور ما را در بحران اقتصادی و اجتماعی ژرف غرق کرده است. در حالیکه قشرهای وسیع زحمتکشان هر چه بیشتر در فقر و فلاکت زندگی می گذرانند سرمایه داران داخلی و خارجی به سود هنگفت خود می افزایند. از سوی دیگر، آزادی های دمکراتیک هر روز معدودتر می گردد.

رژیم لیکود، برای آنکه به اشغال مناطق عرب نشین ادامه دهد، هر چه بیشتر به روشهای وحشیانه دست می یازد. برای نمونه، میتوان از برقراری حکومت نظامی، منع عبور و مرور، معازات گروهی، تبعید فلسطینی های نامدار، و بی سران کردن خانه ها، توقیف اعدای بیون دانس، آموز، دانشجو، کارگر و حتی کارفرما، نام برد.

در بر تو حما بیت نیروهای اشغالگر و دولت بکن، باندهای فاشیستی به ارباب سکنه فلسطینی می پردازند و آنها را به بیرون راندن از سرزمین با اجساد دیشا تهدید می کنند. سوء قصد به شهرداران نابالو و رمله و لیره از دیگر دسیسه های جنایت کارانه این عناصر بود.

سیاست توسل به قهر هر چه بیشتر به داخل اسرائیل نیز سرایت می کند. روزی نمی گذرد که دردا تنگاهای اسرائیل، عناصر شروینیست و تروریست به اعراب و دانشجویان یهودی مترقی حمله و رشوند. در رسانه های گروهی اسرائیل از صبح تا شب شهردارهای دمکرات و شخصیت های اقلیت فلسطینی - عربی را، که هر چه باشد ۱۶ در صد سکنه اسرائیل را تشکیل می دهد، به باد دشنام می گیرند. چندی است که مسئولان حزب کمونیست اسرائیل و اسرائیلی های مترقی بار دیگر دچار تضییقات و محدودیتهای گوناگون، از جمله منع سفر، بازداشت و مراقبت پلیس می شوند. کمونیست ها، شخصیت های مترقی نما پندگانه کشت، وکلای مدافع و روزنامه نگاران را که به انتقاد از رژیم اشغالگر می پردازند، از سوی باندهای تروریستی - فاشیستی با صلح مخفی به بمب گذاری ضرب و شتم و حتی مرگ تهدید می کردند. چندی پیش یکی از این گروه های اوباش به دفتر حزب ملی، یکی از احزاب چپ اسرائیل، در تل آویو هجوم برد، آنرا ویران ساخت و درودیدوارا به شاعرهای فاشیستی آلوده کرد.

قطعنامه پلنوم بیستم کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل گفته شارون، وزیر کشاورزی، را یادآور می شود که، برای اوا مکتب برتر از قانون اساسی است. این گستاخی حتی معاون نخست وزیر و صدر حزب لیبرال، سیمچا رلیش، را به واکنش وادار کرد. وی گفت که بدین ترتیب باید بیسم آن را داشت که مسادا ژنرال شارون و عواضش بزودی مخالفان سیاسی و از جمله خود او را نیز به اردوگاه های فاشیستی میا نندازند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل تصریح می کند که با بد متحد و بیگانه به یکبار علیه فاشیسم باخاست. بموجب ارزیابی حزب کمونیست اسرائیل، پایگاه دولت لیکود در میان مردم اسرائیل هر چه بیشتر محدود می شود و هر روز گروه بزرگتری از مردم از خواست حزب کمونیست، مبنی بر کنار گیری دولت فدکا کردی و جنگ افروزی بکن، پشتیبانی می کنند. عامل نامبرده و افراد فزاینده رژیم لیکود در معنه بین المللی چشم انداز توییدبخشی را برای مبارزه در راه اسرائیلی صلح جو و دمکراتیک پدید می آورد.

**اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن یازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، بگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ که دلان و محتکران است**

# فردی که خود را انقلابی می نامد، با وجدان اجتماعی خود اتمام حجت میکند

## انقلابی بودن یعنی: اجرای وظیفه، نه کسب غنیمت و معامله گری

کامرخی بانگرانی از ما می پرسند: "آیا انقلاب ایران به پیروزی نهایی دست می یابد؟"، "آیا انقلابیون توده ای را - اگر از جنگ ضد انقلاب برهند - متحدین نابگیر آنها در انقلاب تهدید نمی کنند؟"

به این سؤالات تنها عالمان به غیب می توانند پاسخ قطعی مثبت یا منفی بدهند.

قاعدتا برای فرد انقلابی این مطلب - یعنی شکست یا پیروزی شخصی و حزبی و حتی نهضت - نباید جای اول را، بعنوان مبنای تصمیم گیری سیاسی و حیاتی، داشته باشد. البته برای همه انسانها عواطفی از قبیل "نگرانی در مورد سرنوشت"، "شوق پیروزی"، "کراهت از شکست"، "بیم از خدعه" حالات طبیعی است و همیشه در تاریخ بوده است و خواهد بود. ولی انقلابیون واقعی و آرمان پرست مسئله "اجرا و وظیفه" انسانی و انقلابی را بالاتر از همه آنها می گذارند، یعنی برداشت آنها از جای دیگری است.

معنی این سخن چیست؟ معنی این سخن این است که فرد انقلابی، که واقعا شوق به یک آرمان بزرگ و انسانی است، پیش از اینها در صراط مبارزه، با خود اتمام حجت می کند و به خود می گوید:

"من طرفدار تحول مثبت و بنیادی وضع موجود هستم و تسلط غارتگرانه مملتی بر ملت دیگر و بهره کشی طبقاتی از طبقات دیگر و جهالت و محرومیت مادی و معنوی توده ها را امری غلط و غیر عادلانه و ضد بشری می دانم و بر آنم که سکوت در مقابل این ستمهای اجتماعی، نوعی کمک به توفیق و دوام ستمگری است، لذا وظیفه انسانی و ایرانی خویش می شمردم که علیه ستمی که از خارج و داخل بر خلق من و بر توده های زحمتکش کشور اعمال می شود، علی رغم خطراتی که از عمل من ناشی خواهد شد، برخیزم. میدانم که همه کسانی که درینجا این وضع ذیمدخل و ذیغناقه هستند، خیزش و پیکار را تحمل نخواهند کرد و به آن پاسخی که در خورد اخلاقیات راهزانه و ستمگرانه آنهاست خواهند داد و مصلحت بقا سیادت و بهره کشی خود را حتی در محو جسمی رزمندگانی مانند من می شمردند، ولی من ترجیح میدهم که در نبرد بخاطر تکامل جامعه بشری و پیشرفت ورهانی کشور مردم ایران و خلقهای اسیر جهان به شهادت بروم، تا آنکه با خوار و سکوت و اطاعت و عملا خیانت به هموطن و شرکت در غارتگری و ستمگری به "زندگی" خود ادامه دهم، تا چند صباحی بیشتر زیسته باشم."

این اتمام حجت، این پیمان با خویش و سپس حفظ وفاداری به عهد و به آرمان، علی رغم هر چه پیش آید (از قساوت و خدعه دشمن گرفته تا سست عهدی دوست)، جوهر انسان بودن و انقلابی بودن است. یک انقلابی که در تکامل صفات و سجایای خود به آنجا رسیده، دیگر برایش چگونگی پایان نبرد چندان تقاضای ندارد: اگر پیروز شود، (که البته باید با تمام نیرو بخاطر آن مبارزه کند) بسیار خوشدست و شادمان است. ولی اگر شکست بخورد و یا حتی در خطر نابودی قرار گیرد، تعجبی نمی کند. می داند که مبارزه و انقلاب کار بازی نبود و نیست و ضد انقلاب جلی و خفی نسبت به انقلابیون اصیل و بیکبر، ترجیحی ندارد. اگر ترجم داشت که اسمش ضد انقلاب نبود! در نبردهای قطعی تاریخ حلقا قسمت نمی کنند. جنگ طبقاتی مانند جنگ نظامی دارای احتمال فتح و شکست و تلفات است. لذا انقلابی بودن با معامله گری فرق دارد. اگر کسی بگوید من برخی "زحمات" و "خطرات" کوچک و متوسط مبارزه را می پذیرم، بشرطی که... آری بشرطی که یک پیروزی بزرگ برای من مدد در صد تضمین شود، این شخص تنها معامله گراست و انقلابی نیست. عرض خود می برد و زحمت ما میدارد. چنین کسی بهتر است به صحنه نیاید و در گوشه های خود را حفظ کند. به قول مولوی:

"سر به سر بر کن قدح را، موی را کجما سده وانگه زین میدان برترسد، گویند در خانه باش!" البته هر فرد انقلابی به پیروزی علاقمند است و باید هم علاقمند باشد، و درست پیروزی عمل می کند و باید هم عمل کند. انقلابی بودن شکست پرستی و "زیبا بردن" و "شهادت بخاطر شهادت" نیست. ما انقلابیون طراز نوین زندگی را با تمام نیرو روان نمود دوست می داریم و آنرا بالاترین و مهمترین نعمت می شماریم و طرفدار سیاست بازیهای قمار آمیز و ماجراجوییهای کودکانه نیستیم. ما شجاعت انقلابی را با حداکثر دقت و احتیاط،

به فاصله دو کیلومتری جاده کفتگرک (شیراز)، در دل کوه، کارگران با ستاد بی ترین وسایل کوه را منفجر می کنند و سنگها را به صورت قطعات کوچک در می آورند. این سنگها به شهر حمل می شوند، تا در زیربنای ساختمان مورد استفاده قرار گیرند.

در این منطقه ۶ معدن سنگ وجود دارد. بزرگترین معدن این منطقه در مالکیت برادر ایزدی (وزیر کشاورزی دولت موقت) است و بوسیله نماینده و اداره می شود. ایزدی در کنار معدن مقدار وسیعی زمین کشتا و رزی، یک باغ بزرگ و یک ویلا دارد. یکی دیگر از معدن، که از نظر رونق هم سطح معدن ایزدی است، در مالکیت یک تاجر بزرگ میدان میسوه است. چهار معدن دیگر متعلق به خرده مالکان روستا های اطراف است. در این معدن بین ۶ تا ۱۲ نفر کارگر کوه کن کار می کنند.

این معدن، که در دل کوه قرار دارد، در محدوده زمینهای کشتا و رزی مالکان و خرده مالکان هستند. مالکین برای استفاده از سنگ این کوهها، هر کدام با توجه به قدرت مالی اش یک یا چند دستگاه کمپرسورها خریداری کرده اند و با استفاده از نیروی کار خوش نشینان روستا های اطراف از سنگهای کوه استفاده می کنند.

در تمام معدن این منطقه، کارگران بگونه مشابهی استثمار می شوند. برای بیان بخش کوچکی از وضع اسفناک این کارگران، به یکی از معدن می رویم و به درددل کارگران گوش می کنیم.

این معدن متعلق به یکی از خرده مالکان روستای مجاور است. در این معدن ۸ نفر کارگر با روت سیاه کوه را منفجر می کنند و سنگها را آماده حمل می کنند. با یکی از کارگران، که پیر مرد سیه چرده ای است صحبت می کنیم.

با حداکثر محاسبه دقیق بود پیروزی، همراه می کنیم و در مبارزه بجان و امنیت مبارزان ارج می گذاریم. این دو جهت، به نظر ما، نه فقط متناقض نیست، بلکه مکمل یکدیگر است.

بزرگترین انقلابیون جهان بدون محاسبه پیروزی فردی، ولی دقیقا و کاملا در جهت پیروزی جنش عمل کرده اند. برخی از آنها ابد رنگ پیروزی را ندیدند. ما در جریان مبارزات خود می توانیم از حیدر عمواغلی، ارانی، فریدون ابراهیمی، سیامک، روزبه، تیزی، توحید حیدری و هزارها شهید دیگر نام ببریم. در کوههای دیگر انقلابی، اعم از مسلمانان مبارز یا غیر آن، نرزمینان از هزاران شهید نام برد. این شهیدان استعمار و استبداد از آن اندازه پیروزی کما کتون نصیب ما شده، نیز بهره ای نداشتند. آنها زمانی زندگی جوان و شوکان خود را فدا کردند، که رضایه لوی با محمد رضایه لوی و دستگاه جهانی تضییق و فشار آنها، با پشتیبانی امپریالیسم، ما نهایت قدرت و طنطنه و تفرعن و اطمینان بخود بر تخت فرمانروایی نشسته بودند. ما لاقط سقوط ننگین این دو طاغوت استعمار پرورد را به چشم خود دیدیم. به قول شاعر:

دمی آب خوردن پس از بدسگال به از عمر هفتاد، هشتاد سال

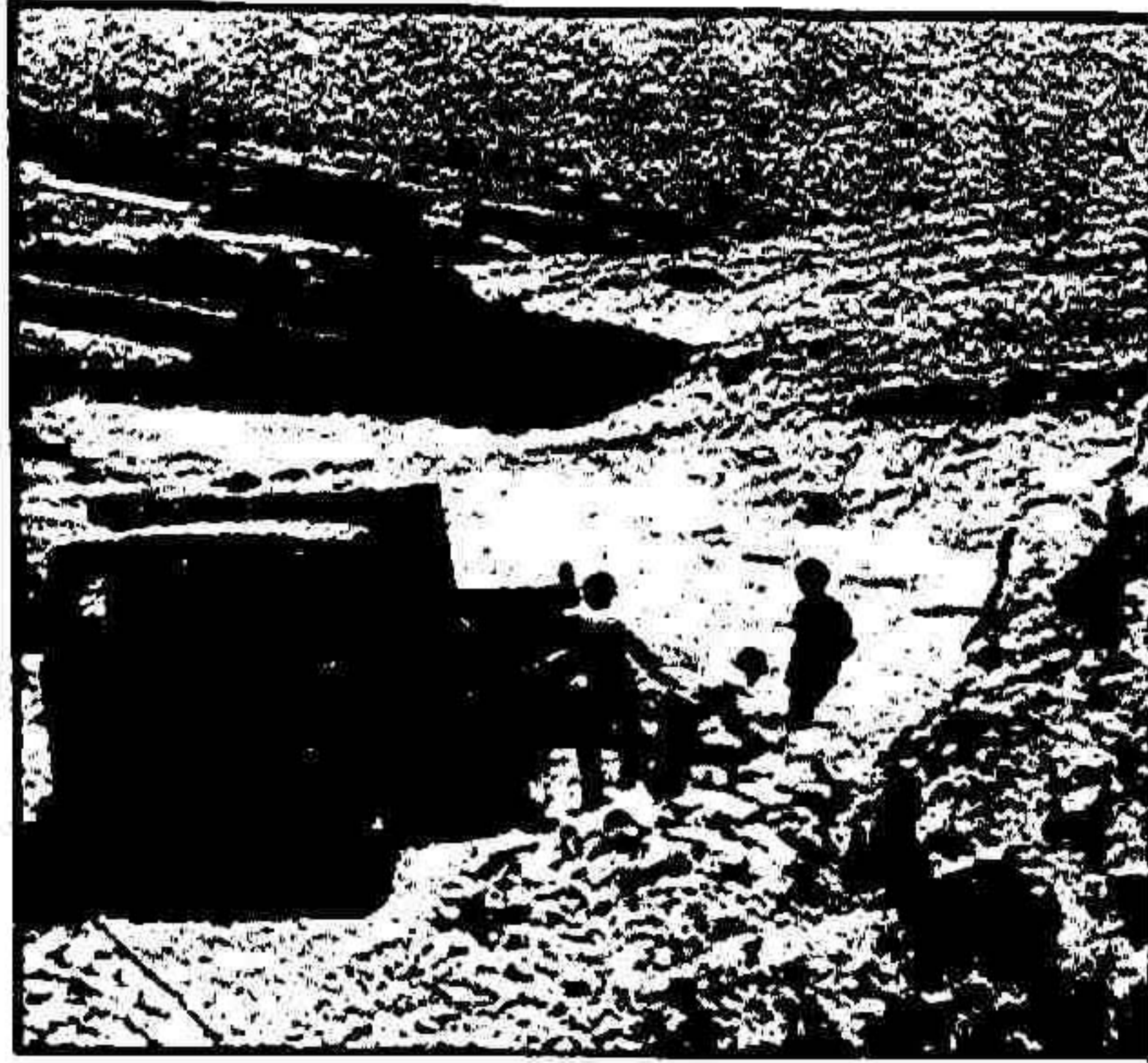
عرب می گوید: "عن طیب الحیوه، ان تری موت العداة"، یعنی از زیباییهای زندگی دیدن زوال دشمنان است. البته به شرطی که دشمن شخصی نباشد، بلکه دشمن خلق باشد، زیرا انقلابی از "انتقام جویی شخصی" دور است. انقلابی به احدی کینه شخصی ندارد و نسبت به عواطف مثبت و منفی شخصی خود اگرازم باشد، گذشت های بزرگ می کند.

آری، نسل انقلابیون امروزی پیروزیهای بزرگی را دیده اند. هنوز البته رشته پیروزیها ناقص است و تا سقوط قطعی امپریالیسم در جهان باید ادامه یابد. ولی، در این نبرد طولانی و خونین، مسلم است که همه سربازان آزادی و استقلال و عدالت، از جنگ زهر آکین دشمن زخم خورده، کین جو و خشمناک، نخواهند درست. لذا مبارزه با محاسبه تلفات و خطر هوشگستها، بناگزی باید همراه باشد.

آری، میتوان با اطمینان صد درصد پیروزی نهایی بشریت بر امپریالیسم را در آینده ای، که آنهم آنسوی کوهها نیست، وعده داد، ولی برای این پیروزی شرط و وقت و شکل نمی توان معین کرد. و انقلابی کسی نیست که عطر دلایب پیروزی را بشنود، ولی خطرات نبرد بخاطر آن را نبیند. انقلابی کسی است که با مبارزه، فداکارانه خود این پیروزی را هر چه نزدیکتر و هر چه مطمئن تر می کند.

باید بدون چانه زدن درباره کم و زیاد کار، با پاکبازی و جان در کفی برزگوارانه انقلابیون واقعی و آرمان دوست، در صحنه های نبرد کام گذاریم و همیشه و همجا در خط مقدم باشیم. حزب ما ربه رزمهای دشوار فرامی خواند. بد نهدی حزب خود گوش فرادهم!

# معادن سنگ شیراز فرهادهایی که دل کوه را به عشق لقمه ای نان می شکافند



در مورد خودش می گوید:

"من خوش نشین وساکن روستای کفتگر هستم. چهار سال است که در این معدن کار می کنم و کوه را می کنم. این کار خیلی مشکل است. از ظهر به بعد آفتاب پدیمان را در می آورد. گرمای اینجا نزدیکهای ظهر آتش جهنم بدتر است. اگر دولت به من زمین بدهد، یک دقیقه نیز اینجا نمی مانم. در زیر آفتاب کار می کنیم و هر کدایمان روزی یک سطل بزرگ آب می خوریم. از طلوع تا غروب آفتاب کار می کنیم. بابت هر ماشین سنگ ۲۰ تومان مزد می گیریم. روزانه کارگرها روزی ۴ تا ۷ ماشین سنگ تحویل می دهیم. از این ۲۰ تومان باید ۱۰ تومان پول با روت سیاه برای منفجر کردن کوه بدهیم. در ازای هر ماشین سنگ برای ما ۱۰ تومان میماند ما در اینجا از هیچ مزایایی برخوردار

نیستیم. هر روز کار کردیم، حقوق داریم. (نه تعطیلی، نه مرخصی و نه بیمه و...) اطلاعات را به حساب نمی آورند. هنگام متفرغ کردن با روت با دا دوفریا دبه کارگران خبر میدهم. اگر کسی زخمی شود، در این اطراف درمانگاه نیست و باید زخمی را به شهر ببریم.

ما صاحب معدن از هر ماشین سنگ ۴۰ تا ۵۰ تومان از ما صاحب ماشین پول میگیرد. ۲۰ تومان آنرا به کارگر کوه کن می دهد و ۵ تومان آنرا نیز عوارض می دهد. کارگران مدعی بودند:

"کارفرما دروغ می گوید، و این ۵۰ تومان را از مزد ما کم می کند و خودش برمی دارد. ما صاحب ماشین نیز سنگ را بطور متناوب بین ۱۵۰ تا ۱۷۰ تومان می فروشند. هر ماشین در معدن، دو نفر کارگر دارد که سنگ را با ماشین می کنند، هر کدام از کارگران روزانه ۱۰۰ تومان مزد می گیرند و از ساعت ۸ صبح تا ۶ بعد ظهر کار می کنند. این کارگران نیز با ماشین کار می کنند. کوه کن از هیچ مزایایی برخوردار نیستند. کار آنها بمراتب سخت تر از کارگران کوه کن است. روزانه بطور متوسط ۱۶ بار ماشین را بار می کنند.

تمام کارگران این معدن را خوش نشینان روستا های اطراف جاده کفتگر تشکیل می دهند. بدون استثنا آرزوی تمام آنها تقسیم زمینهای مالکان و برداشتن بکار کشاورزی است. تمام کارگران از گرانی و کمبود کالاهای مورد نیازشان هستند.

یکی از کارگران در این مورد می گوید: "ما در این کوه از کوه کار می کنیم و از هیچ جا خبر نداریم و همه چیز را گرانتر از شهر می خریم. در محل کار مهمترین کالای مورد نیاز ما سیگار است. در زیر آفتاب کار می کنیم و اگر سیگار نگیریم، سرگیجه می گیریم، ولی الان سیگار نیست و ما خیلی گران است. دردهم که هیچ چیزی نیست. روغن و برنج و تایدیا نیست و ما خیلی گران است. روستایها همه چیز را از شهر تهیه می کنند. ولی ما نمی توانیم کار را تعطیل کنیم و شهر برویم، زیرا با این همه کار کردن زندگی ما به سختی می گذرد و نمی توانیم کار را تعطیل کنیم."

# کشورهای امپریالیستی

## تکیه گاه نژادپرستان آفریقای جنوبی

کرد که جمهوری فدرال آلمان در سال گذشته به "بزرگترین اعتبار دهنده و یکی از مهم ترین شرکای تجاری آفریقای جنوبی" تبدیل شد. از ۵/۵ میلیارد دلار اعتباری که در سالهای ۵۷-۱۳۵۱، کشورهای غربی به آفریقای جنوبی دادند، بیش از ۲/۴ میلیارد دلار از جمهوری فدرال آلمان سرچشمه می گرفت. همین روزها، رژیم نژادپرستان آفریقای جنوبی از بانکهای آلمان غربی قرضه ای به مبلغ ۱۲۰ میلیون مارک دریافت داشت.

حجم بازرگانی کشورهای "جامعه اروپا" و دولت آنها در آلمان به ۱۰ میلیارد دلار در سال رسیده است. در سال گذشته، جمهوری فدرال آلمان بزرگترین صادر کننده کالا به آفریقای جنوبی بود. بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و ژاپن در مراتب بعد قرار داشتند. بگفته رادویو آفریقای جنوبی بازرگانی چین با رژیم نژادپرستان آلمان تاکنون "سالانه ۳۷/۵ درصد افزایش یافته است."

سالهاست که بازرگانی خارجی کشورهای امپریالیستی دیگر تنها منحصر به مواد خام و ماشین آلات نیست، بلکه همچنین جنگ افزار را در بر میگیرد. بنوشته روزنامه "نیو یورک تایمز"، مهم ترین این کشورها عبارتند از: ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، جمهوری فدرال آلمان، فرانسه، ایتالیا و اسرائیل. دژخیمان بوتان با کشتار میهن پرستان آفریقای جنوبی، پول بجهت شرکت های چند ملیتی را زیر می کنند.

هر چند برخی از سران کشورهای امپریالیستی گاهی به سرزنش ربا کارانسیه رژیم خون آشام بوتان می پردازند، ولی این کشورهای در واقع مطمئن ترین تکیه گاه نژادپرستان آفریقای جنوبی هستند و رژیم آپارتید منبع بس سودآوری برای چپا و لگاری آنهاست.

علیرغم تصمیمات تحریم آمی - سز سازمان ملل متحد، کنسرن های غربی سالانه سرمایه گذاری خویش در آفریقای جنوبی افزوده اند. این سرمایه گذاریها در سالهای ۵۶-۱۳۴۹ از ۵/۸ میلیارد رنده به ۲۱/۳ میلیارد رنده افزایش یافت. افزایش سالانه سرمایه گذاری کنسرن های غربی از آن سال تاکنون، از این نیز بیشتر بوده است. شصت درصد این سرمایه گذاریها از سوی کشورهای "جامعه اروپا" انجام میشود، که بیش از هزار شرکت در آفریقای جنوبی تاسیس کرده اند. تنها، ۴۰۰ بانک و بنگاه صنعتی جمهوری فدرال آلمان تا دیماه ۱۳۵۸ بیش از ۱ میلیارد دلار در آن کشور سرمایه گذاری کرده بودند. علت سرازیر شدن سرمایه به آفریقای جنوبی آشکار است: آپارتید یعنی سود افزایی رویا انگیز از طریق استثمار برده وار سیاهان محروم از هرگونه حقوق انسانی. برای نمونه، بهره کنسرنهای آمریکایی از بابت سرمایه گذاری در اقتصاد آفریقای جنوبی دو برابر رقم مشابه در ایالات متحده است.

چندی پیش روزنامه "سلیک دورس دی - ویرتشافت" (آلمان غربی) اذعان

# بزرگ مالکان در میان دهقانان

## «برسیان بر آن» تفاق می اندازند

ده "برسیان بر آن" در ۳۵ کیلومتری جنوب شرقی افغان واقع شده است. در این ده، بزرگ مالکین ۱۸۰۰ جریب و سایر روستائیان رویم در حدود ۸۵۰ جریب زمین در اختیار دارند. پس از تصویب قانون اصلاحات ارضی بزرگ مالکان در صد توطئه برآمدند و دهقانان بی زمین را علیه کمزمنها تحریک می کنند. اینان حتی برای رسیدن به مقاصد خود از ایجاد دو

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

گذری به روستا

### سینجان و مشکلاتش

روستای سینجان، با ۱۴ هزار نفر جمعیت در ۵۰ کیلومتری جنوب غربی اراک (در کنار جاده اراک ملایر) قرار دارد. اکثر اهالی این روستا کشاورز هستند و برخی از خانواده‌ها در کشاورزی و دامپروری به قالیبافی نیز اشتغال دارند. مالکیت زمین به صورت خرده مالکی است. مساحت زمینهای زیر کشت به نسبت جمعیت کم است و تعداد زیادی از اهالی بدون زمین هستند و با چارندتا بستن آنها جهت دستیابی به کار، راهی اراک شوند.

مشکلات اهالی یکی دوتا نیست، آنها از نبودن حمام بهداشتی (تنها حمام روستا خزینه‌ای است) و درمانگاه در منطقه هستند. در روستا تنها یک مدرسه و آنهم فقط تا بنجم ابتدایی وجود دارد، و اگر دانش آموزان بخواهند تحصیلات را ادامه دهند، مجبورند به اراک بروند. از وضع کشاورزی جو یا می‌شوم، پیر - مردی می‌گوید:

"اکثر کشتا و رزقان خرده مالکند، ولی تعداد خوش نشینان هم زیاد است. یکی از روستائیان درباره وضع آب می‌گوید:

"آب زراعتی از قناتی که لاریبی نشده تا مین می‌شود، زیرا ما قدرتش را نداریم و دولت باید در این زمینه به ما کمک کند

پیر مردی که تازه از راه رسیده، می‌گوید:

"باغ تخته‌ها (منظور باغ عمومی است) از بی آبی دارد خشک می‌شود. اگر بکشور ناسازد زمین می‌رود

همگی دهقانان از دست واسطه‌ها ناراضد. یکی از آنها می‌گوید:

"اگر دولت محصولات ما را بخرد، هم ما راحت می‌شویم و هم مصرف کننده"

کراتی بردوش این زحمتکار سنگینی میکند. یکی از آنها می‌گوید:

"یک کیسه کود ۴۵ تومانی را ۹۰ تومان خریده‌ام. اگر شرکت تعاونی داشتیم می‌توانستیم این مواد را به قیمت اصلی شان بخریم"

آنها بحق از دولت انقلاب انتظار دارند که برای تشکیل تعاونی به آنها کمک شود و جهت خرید وسایل تولیدی به آنها وام بپردازد.

لازم است شورای ده تشکیل شود، تا هر چه فوری تر به مشکلات روستائیان سینجان رسیدگی کند. روستائیان برای دریافت کمک و همکاری از مقامات دولتی و برای حفظ اتحاد و همبستگی، باید شوراهای واقعی خودشان را بسازند و شوراها ده می‌توانند تا دبیرانی در زمینه فراهم کردن وسایل رفاهی و همچنین کمک به ایجاد تعاونیها، با اختیارات دولتی و شورایی که دارد، دست واسطه‌ها را کوتاه کند

همچنین دهقانان تهی دست باید با شکل در کمیته‌ها و یا انجمنه‌های دهقانی خود را برای اجرای قانون واگذاری زمین به دهقانان تهی دست آماده کنند و به کمک هیئت ۷ نفری و نهادهای انقلابی بشناسند و بدین طریق با تشکیل خودپیشخوانه اجرای دقیق و دموکراتیک قانون شوند.

## اتحاد خلقهای مسلمان بر ضد امپریالیسم

جلوگیری از بوجود آمدن این پایه‌ها بیش از هر چیز دیگر موثر است. سلطه، امپریالیسم، خصوص امپریالیسم امریکا در اکثر کشورهای اسلامی است. امروز جز چند کشور اسلامی، مابقی تمام دنیای اسلام تحت سلطه، مستقیم و یا غیر مستقیم دولت‌های امپریالیستی است. و به همین دلیل است که اغلب دولت‌های اسلامی: مصر، عراق، پاکستان، عربستان سعودی، ترکیه، شیخ نشین‌های خلیج فارس، عمان، بحرین و ... اکنون بر ضد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران موضع گرفته‌اند و با امپریالیسم امریکا بر ضد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران همکاری می‌کنند. و این در حالیکه که همه آنان سنگ "اسلام" را تیز سینه می‌زنند. پادشاه عربستان سعودی خود را پرنسپال "اتحاد اسلام" میدانند، ولی کشور خود را به پایگاه نظامی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل کرده‌است. انور سادات و ضیاء الحق و ملک حسن و ملک حسین و ... هم خود را پیش از امام خمینی حافظ اسلام میدانند و همه در توطئه امپریالیسم امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، که بنیانگذار آن امام خمینی است، شریکند.

شعار اتحاد اسلام نیز مانند خود "اسلام" در تمام تاریخ محتوای طبقاتی داشته است. روزگاری بود که شاهان عثمانی برای حفظ سلطه خود بر خلقهای عرب و کرد، "اتحاد اسلام" را پرچم خود کرده بودند. سید جمال الدین اسدآبادی در شعار "اتحاد اسلام" مضمون ضد استعماری داخل کرد، اما او نیز تنها در اواخر عمرش درک کرد که اتحاد خلقهای مسلمان را بدون مبارزه با طبقات حاکم نمی‌توان تامین کرد. در آن دوره، خلقهای مسلمان نه تنها در جنگل استعمار، بلکه همچنین در دست قوای استعماری سربو بودند. در جهان نیرویی وجود نداشت که از مبارزه خلقها بر ضد استعمار و فئودالیسم پشتیبانی کند. امروز در جهان وضع دیگری حکم فرماست. سیستم سرمایه داری در بخش بزرگی از جهان فرو ریخته است و بجای آن نظام سوسیالیستی برقرار شده است. خلقهای جهان، از جمله خلقهای مسلمان، میتوانند با پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی، مبارزه خود را در خارج با امپریالیسم و در داخل با سرمایه داری با موفقیت بی‌پایه ببرند و شرایط لازم را برای اتحاد خلقهای مسلمان، که در بین آنها علائق مادی و معنوی فراوانی وجود دارد، فراهم سازند.

کسانی که منافع "ملی" کشوری از کشورهای اسلامی را در برابر منافع "ملی" سایر کشورهای اسلامی قرار میدهند و چون بعضی‌ها خائن عراق بر سایرین انقلابی بمب و خمپاره می‌ریزند و یا چون شاه خائن و بیروانش سیاست نزدیکی با پاکستان و ترکیه را به مهانه رویارویی با "ناسیونالیسم عرب" در پیش می‌گیرند، در حقیقت چاکران سرسپرده امپریالیسم هستند. منافع ملی خلقهای مسلمان ایجاب می‌کند که همه در جنبه، واحدی بر ضد امپریالیسم خونخوار مبارزه کنند. ادامه پیگیری مبارزه ناگزیر با مبارزه علیه استعمار و سرمایه داری در داخل هر کشور توأم خواهد بود. اتحاد کشورهای اسلامی بر پایه مبارزه بر ضد امپریالیسم و علیه سرمایه داری، نه تنها از نظر منافع ملی هر یک از این کشورها، بلکه همچنین بلحاظ نقش بزرگی که میتواند در تضعیف امپریالیسم در سراسر جهان و رهایی سایر خلقهای اسیر داشته باشد، از اهمیت عظیمی برخوردار است.

مبهم ما اکنون در نخستین صف این مبارزه جای دارد. خلق قهرمان ما بخوبی درک میکند که مبارزه اش بر ضد امپریالیسم امریکا تنها نبود خودش نیست و اهمیت جهانی دارد و به همین دلیل نیز تمام دشواریهای این مبارزه را با روی گشاده تحمل می‌کند. پیروزی ما بر امپریالیسم امریکا، بزرگترین دشمن بشریت، چهره تمام منطقه را درگون خواهد ساخت، رژیم‌های وابسته به امپریالیسم امریکا را تضعیف خواهد کرد، راه را برای پیروزی انقلابهای مردمی و ضد امپریالیستی در کشورهای اسلامی هموار خواهد نمود، کشورهای اسلامی ضد امپریالیست را تقویت خواهد کرد. و پایه‌های ضرور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای اتحاد واقعی کشورهای اسلامی را فراهم خواهد ساخت.

روح پیام امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت روز قدس، برای اتحاد خلقهای مسلمان همین است.

از روزی که سید جمال الدین اسدآبادی، مبارز سرخت علیه استعمار انگلستان، ندای اتحاد اسلام را سرداد، بیش از صد و اندسال می‌گذرد. از آن زمان تاکنون شاگردان مکتب وی بارها برای اندیشه های او کوشیده‌اند. اندیشه اتحاد اسلام هرگز از این اندیشه جدا نبوده است که: چرا خلقهای مسلمان پس از آن همه شکوه تمدن اسلامی به روز سبجاری افتاده و در دست قدرتهای سلطه گر اسیر شده‌اند؟ در حقیقت سید جمال و پیروانش اتحاد اسلام را بعنوان راهیایان دادن به عقب ماندگی و رهایی خلقهای مسلمان از چنگال استعمار مطرح می‌کردند.

در دوران اخیر، که جنبشهای آزادیبخش بخش بزرگی از دنیای اسلام را دربر گرفت، اندیشه اتحاد خلقهای مسلمان بار دیگر شکل اتحاد خلقهای عرب در صحنه سیاست ظاهر گشت. کشورهای مختلف عرب بارها طرحهایی برای اتحاد خود کشیدند. حتی برخی اقدامات عملی نیز در این زمینه صورت گرفت، اما هیچ یک از این اقدامات به نتیجه قطعی نرسید.

امروز به جرات می‌توان گفت که اختلافات بین کشورهای مسلمان (بخصوص کشورهای عربی) آنها را بدو گروه متضاد و متخاصم تبدیل کرده‌است. مصر و لیبی، ایران و عراق، عراق و سوریه، مغرب و الجزایر، افغانستان و پاکستان و ... همه در آن اختلافات می‌سوزند.

آزوری اتحاد اسلام، پایه عبارت صحیح تر، اتحاد خلقهای مسلمان، تاکنون به تحقق نرسیده و بصورت یک آرزو باقی مانده‌است. چرا؟ برای اینکه بتوان به این سؤال پاسخ داد، باید به علل و دلایلی که مانع این اتحاد شده و می‌شوند توجه کرد:

اتحاد بین خلقها و دولت‌ها به دو صورت می‌تواند عملی گردد: اتحاد موقت بر پایه منافع مشترک موقت. مثلا هنگامی که دو خلق و یا دو کشور در معرض تهاجم کورئالیستی قرار می‌گیرند. اتحاد دائمی بر پایه منافع دائمی مشترک، و این اشتراک منافع هنگامی می‌تواند وجود داشته باشد که بر پایه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مشترکی نباشد باشد.

کشورهای عربی می‌خواهند بر پایه زبان و دین مشترک (اسلام) بدون پایه‌ریزی بنیان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مشترک، دولت‌های واحدی بوجود بیاورند. آنها بارها این تجربه را آزمودند و با شکست روبرو شدند. هر اقدام دیگری نیز که در این زمینه بعمل آید و این شرط اساسی اصلی را در نظر نگردد، جز این سرنوشتی نخواهد داشت. دنیای اسلام هم اکنون بر حسب روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ای که در آنها حکم فرماست، بدو جنبه تقسیم شده‌است: در یک جنبه کشورهای قراردادی قرار دارند که با هزاران رشته با امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم امریکا مربوطند. پاکستان، عربستان سعودی، ترکیه، مصر، عمان، اردن، مراکش و غیره جز این گروه از کشورهای هستند. در برابر این جنبه، کشورهای چون ایران، سوریه، لیبی، یمن دمکراتیک، الجزایر و غیره وجود دارند، که هر یک به درجاتی با امپریالیسم مبارزه می‌کنند. ایران اکنون در نخستین صف این مبارزه قرار دارد.

سرنوشت اتحاد اسلام به سرنوشت مبارزه با امپریالیسم ارتباط دارد. تنها پس از پیروزی در این نبرد است که می‌توان از اتحاد خلقهای مسلمان سخن گفت.

برای نیل به این پیروزی نخست باید جنبه واحد ضد امپریالیستی خلقهای مسلمان را بوجود آورد و تقویت کرد. اتحاد کشورهای خلقهای مسلمان را تنها میتوان بر پایه اشتراک منافع خلقهای مسلمان در مبارزه علیه امپریالیسم تامین کرد. تحکیم، تعمیق و پایداری اتحاد خلقهای مسلمان هم هنگامی میسر و ممکن است که پایه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی این کشورها همگون باشد، یعنی بوجود طبقات استثمارگر در این کشورها پایان داده شود. پایان دادن به سلطه امپریالیسم بمنزله یک سیستم اقتصادی - اجتماعی و سیاسی در جهان و ریشه کن کردن سرمایه داری در کشورهای اسلامی میتواند زمینه را برای ایجاد یک اتحاد دائمی از خلقهای مسلمان فراهم سازد.

کوششهایی که در گذشته، هنگام سلطه فئودالیسم در کشورهای اسلامی، برای "اتحاد اسلام" بعمل آمده و اکنون در دوران سلطه روابط سرمایه داری در داخل کشورهای مسلمان بعمل می‌آید، همه به دلیل فقدان پایه‌های ضرور اجتماعی - اقتصادی و سیاسی بانکت روبرو شده است و تا این پایه‌ها بوجود نیامده هر تلاش دیگری هم به همین نتیجه خواهد انجامید. آنچه در



مربک از چین‌هایی که در جبهه این دهقان نقش گرفته، محصول سالها زحمت ورنچ است. ده‌ها هخوره - خرمنبر

### در اجرای خواست دهقانان تعلل نکنید

روستای "تخته"، از بخش اورامانات شهرستان سنندج است. اکثر اهالی این روستا راهقانان شهیدست تشکیل شده‌اند. (تعدادی از اهالی نیز صاحب باغ هستند). به همین علت اکثر جوانان این روستا جهت کار به شهرهای صنعتی روی می‌آورند.

کمیون آب زراعتی و آبیاری میدانی نبودن زمین، جاده، مدرسه، درمانگاه و دیگر وسایل ابتدایی رفاهی، روستائیان را سخت درمیضیق قرار داده است. روستائیان - ثانی، که با جان و دل در انقلاب شرکت کردند، انتظار داشتند که دولت انقلاب به خواستهای آنان رسیدگی کند. اما تاکنون فقط تعلل شده‌است. دهقانان بی زمین این روستا تاکنون جهت رسیدگی به خواست‌های شان و مطالبه آب زراعتی و دیگر خواستهای رفاهی، به مقابل دارا ت دولتی رفته‌اند و شکایت دست جمعی خود را به مقامات مسئول ارائه کرده‌اند.

از خواستهای مهم کشاورزان احداث جاده‌است، زیرا این روستا در پشت کوه قرار دارد و هیچ وسیله نقلیه‌ای قادر به رفت و آمد به این روستا نیست. تا بحال چندین بار اهالی به مقابل اداره راه و ترابری رفته و خواستار حل این مشکل شده‌اند، اما متاسفانه کار هنوز به تصام نرسیده‌است.

ایجاد دبستان و خانه بهداشت، خواست دیگر اهالی "تخته" است. دهقانان معتقدند که دولت قادر است با حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق و واگذاری موتورهای آب، جهت بهره‌برداری از این چاهها، یکی از عمده مشکلات آنها را حل کند. همچنین با احداث جاده و دبستان و تحفقی بخشیدن به دیگر خواستهای رفاهی روستائیان، به آنان یاری رساند.

### بیاید زمین‌ها را برادر ارگشت کنیم

را و ادا کرده‌است که علیه خوش نشین ها به دادگاه انقلاب شکایت کنند. در حالی که کاتلا روشن است که همه این زحمتکاران باید با هم برادروار عمل کنند و جهت حمله و مبارزه و شکایت باید علیه بزرگ مالک متوجه باشند. این خبرنگار می‌دهد که تا قانسون اطلاعات ارضی اجرا نشود، وضع ناسامان روستائیان مبهم ما بهبود نخواهد یافت. برای جلوگیری از تشنج و درگیری باید اتحاد و همکاری بین زارعین و خوش نشینان محکم شود. دهقانان این روستا باید متحداً و با شکل در کمیته‌ها و اتحادیه‌های دهقانی، خود را برای اجرای قانون واگذاری زمین به دهقانان شهیدست آماده کنند. در این روستا می‌توان بسا ایجاد تعاونی تولید بر اساس رعایت حقوق همه زحمتکاران، به تولید جمعی بر روی مالکیت مشاع پرداخت و با اتحاد در عمل، امرحیاتی تولید را، به بهترین وجه، با کمک هم، آغاز و شکوفا کرد.

در دهه عیباد در استان فارس، ۴۰۰ هکتار زمین وجود دارد که متعلق به یک بزرگ مالک است. بر روی این زمین ها، بر اساس یک قرارداد دوا چاره نامه، ۲۶۰ خانوار دهقان زندگی می‌کنند، که هر ساله ۲۶۰ هزار تومان بهای اجاره زمین هارا می‌پردازند. مالک بزرگ این روستا زمین هارا به مدت پنج سال به زارعین اجاره داده، که تاکنون فقط یکسال از مدت اجاره گذشته است. در این روستا همچنین ۹۰ خوش نشین زندگی می‌کنند، که فاقد هرگونه وسایل تولید هستند. مالک بزرگ و عمال او متاسفانه موفقی شده اند بدین اجاره داران و خوش نشین ها اختلاف ایجاد نکنند. یکی از زارعین در این باره می‌گفت:

"یکی از خوش نشین ها پسر خودم و چند تای دیگرشان هم از اقوام هستند. به آنها می‌گوئیم بیا شید برادروار زمین ها را کشت کنیم، ولی آنها می‌گویند: "دامنه اختلافات بر سر زمین، زارعین

### دهقانان کم زمین و بی زمین!

با تشکیل کمیته‌های خود و با تکیه به پاسداران متعهد و افراد سوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سر به سر و سود شما جرا شود

### اخبار گاری

#### وضع ناسامان درمانگاه ذوب آهن زیر آب

زیر آب یکی از شهرکهای حومه قائم شهر است و در ۲۵ کیلومتری جنوب آن قرار دارد. بعلاوه وجود معادن ذغال سنگ، زیر آب جزء یکی از مناطق کارگرنشین مازندران است.

در زیر آب دو درمانگاه وجود دارد، که یکی درمانگاه دولتی و دیگری درمانگاه ذوب آهن زیر آب است و کارگران معادن از آن استفاده می کنند. درمانگاه، ساختمان دو طبقه نسبتاً کوچکی است. غیر از دو پرستار، فرد دیگری در این درمانگاه وجود ندارد. پرستاران در مورد نارساییهای درمانگاه چنین می گویند:

«تنها دکتری که در این درمانگاه کار می کرد، مدتی است استعفا کرده و رفته است. الان آقای دکتر کمال عابدی، که پزشک درمانگاه دولتی زیر آب هستند، یکی دو ساعت در اینجا بیماران را ویزیت می کنند. بطور متوسط روزانه ۸۰ بیمار به این درمانگاه مراجعه میکنند. آقای متقیان داروخانهچی درمانگاه، که پزشک است، بعضی اوقات که پزشک نیست برای مریضهایی که بیماری آنها فقط اسهال و استفراغ است، داروی لازم را تجویز می نماید. این در مانگاه تلفن ندارد تا ما در موارد اضطراری که احتیاج به آمبولانس داریم، از آن استفاده کنیم. آمبولانس هم که نداریم. و در موارد اضطراری بعضی اوقات آقای متقیان داروخانهچی ما با ماشین شخصی خود بیمار را به قائم شهر می رانند. از همه مهمتر ما اینجا آب نداریم. پزشک هم که نداریم، پس دیگر خودتان فکر کنید ما اینجا چه وضعی داریم، و ناراحتی ها و نارسایی های ما تا چه اندازه عمیق است.»

در سالی انتظار یک دختر بیچه و خانمی که بچه اش را به پشت بسته، بر روی نیمکت و به انتظار پزشک نشسته اند.

این خانم آذرخاتون پورسید نام دارد؛ بچه اش مریض است و اسهال گرفته ولیکن بعلاوه اینکه امروز پنجشنبه است، درمانگاه پزشک ندارد. (پنجشنبه و جمعه درمانگاه تعطیل است) این خانم می گوید:

«آقا، مادرتانم، دکتر روزهای غیر از پنجشنبه و جمعه، آنهم فقط بعد از ظهرها هست، دکتر کشیک و شبانه روزی نداریم، بچه من مریض است من نباید چکار کنم.»

از مسئولین امر می خواهیم به وضع این درمانگاه جدا رسیدگی کنند و حداقل امکانات را برای این درمانگاه که اتفاقاً مورد استفاده زحمتکشترین افراد جامعه ما است، فراهم نمایند.

#### قانون شکنی کارفرمایان ادامه دارد

شرکت مسافری اتوموبیل، با ۷۰ دستگاه اتوبوس، یکی از بزرگترین شرکت های مسافری شیراز است. تعداد ۶ کارگر از ۱۷۰۰ کارکنان شرکت کار می کنند. کارگران از بدو استخدام پول بیمه پرداخته و لی کارفرما این پول را به بیمه نمی پرداخته است.

بدون آنکه سال پیش قتل بزرگی بر سر یک کارگر اصاب کرد و وی در دم جان سپرد و کارفرما بالاچار کارگران را بیمه نکرد.

کارگران ۱۷ سال پیش با کارفرما قرارداد بستند که بابت هر ماهیانه، بر روی هم، ۱۰ تومان دستمزد بگیرند. (هم اکنون هر روز ۳۵ دستگاه اتوبوس از این شرکت عازم شهرهای دیگری می شود و در نتیجه بهر کارگر روزی ۵۷ تومان دستمزد تعلق می گیرد).

دستمزد کارگران در این مدت ۱۷ سال هیچگونه تغییری نکرده است.

کارگران به کارفرما اعتراض کرده اند و در تحقیقات معلوم شده است که کارفرما از هر راننده بابت اتابار ۱۵۰ ریال می گیرد و فقط ۱۰۰ ریال را به کارگران می دهد و بقیه را خود برمی دارد. کارگران برای رسیدگی به این موضوع به اداره کار شکایت کرده اند و خواهند آنگاه که آخرین مصوبه حقوق کارگری به آنها تعلق گیرد.



### گذری از کنار صافکاران کنار خیابانها و خرابه ها

می مانیم. "بصراله علیوند، صافکار کنار خیابان (اتوبان) بعثت می گوید:

"مخ اهل قریه "صلوات" از توابع مشکین شهر هستم و ۲۰ سال سن دارم و با برادرم کار می کنم. او تازه ازدواج کرده. ما با پدر و مادر و ۷ برادر و خواهر دیگرمان در یک آپارتمان ۲ طبقه زندگی می کنیم. این خانه را زمان انقلاب در شهرک نجف آباد گرفتیم و با وجود دعوای زیاد و درگیری با کمیته ها هنوز آنجا زندگی می کنیم. ولی تکلیفمان معلوم نیست."

او در مورد وضع کارش می گوید: "در آمدیمان از صافکاری خیلی کم است. تقریباً هفتای ۵۰۰ تومان و آنهم در صورتی است که مشتری باشد و هوا هم خوب باشد. این پول اصلاً کفاف خانواده پرجمعیت ما را نمی دهد. حالا خوب است که گریه منزل نمی دهیم و گرنه معلوم نبود که با این مشکل چطور می بایست مقابله کنیم. گجا به یک خانواده ۱۲ نفری خانه می دهند؟" او از گذشته خود و خانواده اش در روستا می گوید:

"در روستا پدر و مادرمان و همچنین من و برادران بزرگم کشاورزی می کردیم، ولی چه فایده که در آمدیمان بسیار ناچیز بود، چون زمین به آن صورت نداشتیم. به همین خاطر زمین و خانه مان را ول کردیم و به تهران آمدم. ما از دولت می خواهیم که زمین مناسبی در روستا در اختیارمان بگذارد تا ما دوباره سرخانه و زندگی مان برگردیم. ما کشاورزی باید امکانات اینکار را در اختیارمان بگذارند."

او از مشکلات زندگی در تهران سخن به میان می آورد: "در این حوالی همه چیز بسختی پیدا می شود. مثلاً گوشت نامرغوب کیلویی ۳۰ تومان است. میوه اصلاً به خانه ما را ندارند، از کجا پول بیاوریم و برای دوازده نفر میوه بخریم؟ مگر اینکه یکروز هیچ نخوریم و بجایش طعم میوه خوب را بچشیم."

او در پایان می گوید: "آقا، من اول جوانیم است، خیلی آرزوها دارم. اول از همه می خواهم ازدواج کنم و زندگی ساده ای تشکیل دهم، ولی با کدام پشتوانه و دلگرمی؟"

آن موقع چه اجباری داریم که در گرمای تابستان و سرمای زمستان، بدون حتی یک وعده غذای درست و حسابی در اینجا زندگی کنیم. "اسداله شریعت ناصری یکی دیگر از صافکاران کنار خیابان جوانمرد قصاب در مورد زندگی خود می گوید:

"من ۴۲ سال سن و ۵ فرزند دارم، که همگی آنها درس می خوانند. ۲۰ سال است که در تهران کار می کنم. پیش از آنکه به تهران بیایم در لنگرود خرده فروش بودم. اوایل ورودم به تهران آرایشگاه داشتم، ولی کارم رونق نداشت. مجبور شدم بروم کارخانه ایران ناسیونال، ۶ سال آنجا کار کردم تا حقوقم به ماهی ۷۰۰ تومان رسید. با این پول که نمی توانستم خرج زن و بچه خود را بدهم. آنجا را ول کردم و بیرون آمدم."

او سپس ادامه می دهد: "پس از آن در قسمت موتوری شهرداری با ماهی ۲۰۰۰ تومان استخدام شدم. در مقابل اضافه شدن به حقوقم، قیمت ها نیز چند برابر شدند. با این حقوق می بایست ۷۰۰ تومان اجاره خانه میدادم، ولی با این وجود ۴ سال نیز در آنجا کار کردم. بعد در اثر فشار زندگی مجبور شدم آنجا را هم رها کنم."

او در مورد وضع کنونی کارش می گوید: "الان چند سالی است که کنار این خیابان و خیابانهای اطراف شغلم صافکاری اتوموبیل است. من مکانیک خوبی بودم برای همین شهرداری آن موقع بمن ۲۰۰۰ تومان ماهیانه حقوق می داد، ولی خرج زندگی ساده ما بیشتر از اینها بود. بچه هایم رفتن به بزرگ می شدند و هزینه های زندگی نفس گیر. الان هم اینچنانم از صبح تا شب در گرمای ۳۷ درجه چشم براه یک ماشین هستم، تازه اگر پیش صافکار جلویی نرود."

او از وضع زندگی خود و گرانی روز افزون گله می کند و می گوید: "هالا ناراحتی ما بیشتر از این است که تاکی باید با گرانی بسازیم؟ مگر ما چقدر درآمد داریم؟ آیا بچه های ما نباید در ماه حتی یک وعده میوه بخورند؟ ما باید همیشه مواظب باشیم تا خودمان و مخصوصاً بچه هایمان مریض نشوند، و گرنه علاوه بر خرج زیاد پزشک و دارو از نان آرزومان هم

در گوشه و کنار تهران، در کنار تکه زمین های خالی و خرابه ها، به چند باجمع زحمتکشانی برخورد می کنیم که کار صافکاری اتوموبیل مشغولند. این زحمتکشان جزء کوچکی از ارتش عظیم بیکاران کشور ما هستند، که پس از انقلاب پرشکوهِ میهنان، امیدوار بودند که جامعه انقلابی ایران بتواند برای آنها و خانواده شان مامنی آسوده فراهم آورد، اما سهل انگاری ها و اقدامات غیر انقلابی و سازش کارانه دولت موقت باعث شد که آنها در پی یافتن روزی برای خود و خانواده خود هر روز دست به انجام کاری بزنند.

اکنون نیز به جای اینکه از تخصص و حرفه خود برای بالا بردن سطح تولید کشور استفاده کنند، مجبورند در گوشه و کنار خیابانها چشم انتظار اتوموبیلی باشند که برای صافکاری به سوی آنها می آید.

اکثر این صافکاران، جوانان پرشور و با استعدادی هستند که از شهرستانهای دیگر به امید یافتن کار در بخشهای صنعتی روانه تهران شده اند و اکنون بی بهره از هرگونه امکانات رفاهی بسر می برند.

به پای صحبت تنی چند از آنها، که در اطراف تهران پراکنده اند، می نشینیم تا از نزدیک با زندگی ورنجهای آنها آشنا شویم. محمدعلی خانی یکی از صافکاران کنار خیابان جوانمرد قصاب می گوید:

"من ۱۸ سال دارم و اهل روستای "گراز" از توابع اراک هستم. قبلاً سه سال در یک کارگاه صافکاری می کردم. درآمد بسیار کم بود و کفاف اینرانی داد که مقداری از آنرا در تهران خرج خودم کنم و مقداری را هم برای خانواده ام در روستا بفرستم. این بود که با پس انداز اندکی که داشتم با دو نفر دیگر شریک شدم و وسایل لازم برای صافکاری را تهیه کردیم."

او در مورد وضع کنونی اش می گوید: "تمام سرمایه ما ۵ هزار تومان است. در حال حاضر تمام درآمد هر نفر از ما در ماه ۱۵۰۰ تومان است. ماهیچ چیز برای زندگی نداریم. تمام دردم از بیگاریست. اگر دولت کاری برای مادرست کند و یا اینکه در روستایمان زمینی در اختیارمان بگذارد، نمتنبها من، بلکه دیگر دوستانم نیز حاضرند که به روستایمان برگردیم.

### درجهان سرمایه داری

بیکاری در بیشتر فته ترین کشورهای سرمایه داری در ده سال اخیر جدول زیر نشان میدهد، که بیکاری در کشورهای سرمایه داری، امروزه نیز مانند گذشته، در مرحله بحران ادواری گسترش می یابد، اما بخلاف گذشته در مراحل آغاز رونق و رونق تنها اندکی کاهش می پذیرد و در برخی اوقات حتی همچنان بیشتر میشود:

بیکاری در کشورهای سرمایه داری (به هزار)

۱۳۴۹	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹
کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	۷۸۴۶	۱۸۵۰۰	۱۵۳۸۵	۱۵۸۲۳	۱۵۸۶۸	۱۶۸۰۰
ایالات متحده آمریکا	۴۰۸۸	۷۸۲۰	۷۲۸۸	۶۸۵۶	۶۰۴۷	۵۹۶۳
جامعه اروپا	۲۱۸۹	۴۷۰۵	۵۳۱۹	۵۷۴۳	۶۰۱۲	۶۵۵۰
بریتانیا	۶۱۸	۱۷۸	۱۳۵۹	۱۴۸۴	۱۴۷۵	۱۳۹۰
ایتالیا	۹۶۱	۱۲۰۲	۱۲۷۹	۱۳۹۸	۱۵۷۱	۱۷۴۰
فرانسه	۲۶۲	۸۴۰	۹۳۳	۱۰۷۲	۱۱۶۷	۱۳۶۰
جمهوری فدرال آلمان	۱۴۹	۱۰۷۴	۱۰۶۰	۱۰۳۰	۹۳۳	۸۷۰

### درجهان سوسیالیسم

کاهش مرگ و میر کودکان در کوبا در کوبای سوسیالیستی از هر هزار کودکی، که چشم به جهان می گشایند، تنها ۱۹/۳ نفر پیش از یکسالگی فوت می کنند. رقم مشابه برای کودکان ۱-۴ ساله تنها ۱ است. برای مقایسه، آهنگ مرگ نوزادان و کودکان ۱-۴ ساله برخی دیگر از کشورهای آمریکای لاتین را در زیر از نظر خوانندگان می گذرانیم:

کشور	آهنگ مرگ نوزادان (در هزار)	آهنگ مرگ کودکان (۱-۴ ساله) (در هزار)
پاراگوئه	۹۴/۳	۵/۶
گواتمالا	۸۰/۷	۲۴/۲
برو	۷۲/۴	۷/۵
شیلی	۶۳/۳	-
کلمبیا	۵۲/۵	۴/۹
ونزوئلا	۴۳/۷	-
اکوادور	-	۱۳/۹
سالوادور	-	۹/۵
هندوراس	-	۹/۲
جمهوری دومینیک	-	۴/۸
ونزوئلا	-	۳/۸

(- آمار در دسترس نیست)

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

ببین کارگری کارگران  
بیکاری یکی از بدترین وظایف  
حقوق کارگری است

### پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح

انتخاب خواهند شد. بویژه تا یکدیگر بر آن است که گروه اخیر مستقیماً از سوی مردم انتخاب شوند و خود مردم هزینه اعزام این نماینده‌ها را، با پولی که در شهرستانها و محله‌های کار جمع آوری خواهند شد، برعهده بگیرند. در جریان تشکیل پارلمان جهانی، کمیسیونها، میزگردها، گروههای کار، جلسات سخنرانی و گردهمایی‌های نمایندگان قاره‌ها فعالیت خواهند داشت. اهم موضوعاتی که پیشنها می‌شود در این جلسات مورد بحث و بررسی قرار گیرد، چنین است:

#### کمیسیونها:

پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی، تامین صلح و استقرار اقتصادی، استقلال اقتصادی، استقرار نظام جدید اقتصادی بین‌المللی، مسایل انرژی و پهنودان با مبارزه در راه صلح و استقلال ملی، امنیت و همکاری در اروپا، همبستگی با مردم فلسطین و دیگر خلقهای عرب، سهم جنبش کشورهای ناسوابسته در امر صلح و استقلال ملی، مبارزه با سیاست امپریالیستی مداخله‌گری و ایجاد عدم ثبات، مبارزه با نژادپرستی و سیاست تبعیض نژادی...

#### میزگردها:

مرکز از نمایندگان اتحادیه‌های کارگری زمانها، زنان، جوانان و دانشجویان، نمایندگان مجالس ملی، معارف مذهبی، کارکنان رشته‌های تنظیم و تربیت، آموزش علوم و فرهنگ و غیره. در این میزگردها موضوعاتی مانند مبارزه برای تبدیل منابع تسلیحاتی به منابع فراورده‌های زمان صلح، نتایج به دست آمده در نیمه اول دهه زن و در سال بین‌المللی کودک، دفاع از فرهنگهای ملی و تربیت در راه صلح مورد بحث قرار می‌گیرد.

#### گروه‌های کار:

موضوعاتی که پیشنها می‌شود عبارت است از:

همکاری با دیگران زمانهای غیر دولتی، فعالیت به منظور پشتیبانی از کوششهایی که در سازمانهای وابسته مثل متحدین برای تسلیحاتی بین دولتها در راه صلح و استقلال ملی صورت می‌گیرد، گسترش انتشارات و تبلیغات صلح، افزایش منابع مالی، همکاری میان نیروهای مختلف سیاسی، گسترش شبکه سازمانهای پایه‌ای صلح.

#### سخنرانیها:

درباره موضوعهای مختلف، از جمله تجا و زبده حقوق بشر، نژادپرستی و تبعیض نژادی در سبیلی و اوروکوشه، آفریقای جنوبی، سرزمینهای اشغال‌شده عرب، آمریکای شمالی، وضع کارگران مهاجر در اروپا، وجوه مختلف نژادپرستی در مناطق مختلف

#### گردهمایی بر حسب قاره‌ها:

چهار جلسه قاره‌ای تشکیل خواهد شد: آفریقا، آسیا و قیانسوسه، آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب، اروپا و آمریکای شمالی.

\*\*\*

شورای جهانی صلح، به منظور تشکیل پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح، یک کمیته تدارکاتی بین‌المللی ترتیب می‌دهد، که نمایندگان سازمانها و جنبشهای عمده بین‌المللی و همچنین شخصیتهای برجسته و رهبران احزاب مختلف سیاسی را برای شرکت در آن دعوت می‌کند.

از آن گذشته، در هر کشوری یک کمیته ملی تدارکاتی، مرکب از نمایندگان احزاب و سازمانها و همچنین شخصیتهای برجسته تشکیل می‌شود.

کمیته‌های ملی و بین‌المللی تدارکاتی هر یک در حیطه عمل خود، می‌باید پیس از بحث درباره موضوعهای مورد علاقه، به تنظیم طرح قطعنامه‌ها و دیگر اقدامات برای ارائه به پارلمان جهانی اقدام کنند. بویژه کمیته‌های تدارکاتی ملی، به همین منظور پارلمان ملی خود را تشکیل خواهند داد.

درباره نمایانهای ملی و محلی، درکناره‌ها، کنفرانس‌ها و میتینگ‌ها، نمایندگان که با پدیدار پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح شرکت کنند، انتخاب خواهند شد و مجموعه این فعالیتها می‌باید به این نتیجه طبیعی منجر شود که وسیع‌ترین پیوستگی و همکاری نیروهای سیاسی و اجتماعی با شعارهای زیرمورد پذیرد: همبستگی جنگ سرد را متوقف سازیم!

به تارک جنگ افزا را پایان دهیم!

به پیروزی‌های تازه صلح و استقلال ملی بکوشیم!

تشنج‌زدایی را تحکیم بخشیم!

### در جلسه علنی دیر وز مجلس: نامه رئیس جمهور در معرفی آقای رجائی جهت نخست‌وزیری مورد قبول قرار گرفت

نماینده اراک:

## دولت فرانسه به طرفداران رژیم شاه، جلادان و کشتار کنندگان خلق پناه داده است



این افراد به تشکیل گروههای تروریستی و انجام عملیات سیاسی- نظامی گسترده علیه انقلاب ایران می‌پردازند.

کشور خارج می‌کنند، شد. پس از نطقهای قبل از دستور، حجت الاسلام رفسنجانی، متن نامه رئیس جمهور در مورد معرفی آقای محمدعلی رجایی به سمت نخست‌وزیر را قرائت کرد. در مورد این نامه به بحث فراوانی بین نمایندگان در گرفت. گروهی از نمایندگان می‌گفتند که متن نامه متأسفانه قانون اساسی است و گروهی نیز خلاف آن. در میان آنها نظر نمایندگان، حجت الاسلام موسوی خوشنویس گفت:

پس پیام ما که از مجلسیان و رئیس جمهور می‌خواستند هم‌بیکرا تضعیف نکنند، چه شد؟ من می‌خواهم با توجه به محتوی این پیام و توجه به دردهای اصلی مردم ما در مورد خطاهای جزئی که احتمالاً واقع شده است، اغماض نکنیم.

درباره این صحبت‌ها نمایندگان در مورد نامه و تطبیق و یا عدم تطبیق آن با قانون اساسی، و بعد از زنجش ۲۵ دقیقه ای مجلس حجت الاسلام رفسنجانی در جمع بندی مذاکرات انجام شده، از جمله گفت:

نامه‌های با امضاء ۱۵ نفر رسیده است که تقاضا کرده‌اند، نامه رئیس جمهور را بپذیریم و روی موضوعات فرعی غیر مهم وقت تلف نکنیم. آنکه ایپرا مون پذیرش نامه از طرف مجلس رای گیری بعمل آمد. در نتیجه معرفی نامه رئیس جمهور در مورد آقای رجایی مورد پذیرش نمایندگان قرار گرفت.

پس از آن آقای کمیسیون اعلام کرد که اعتبار نامه آقای مودی با وکی، نماینده ساوه، با توافق آراء در این شعبه به تصویب رسیده است. سپس این اعتبار نامه از تصویب نمایندگان گذشت.

جلسه دیروز مجلس ساعت ۱ بعد از ظهر پایان یافت و قرار شد که در جلسه بعدی (امروز ساعت ۱۰) در مورد نخست‌وزیری آقای محمدعلی رجایی رای گیری شود. ضمناً نمایندگان مجلس، ساعت ۳ بعد از ظهر دیروز، در طی یک جلسه خصوصی، راجع به مسئله نخست‌وزیری آقای محمدعلی رجایی به بحث و تبادل نظر بیشتر پرداختند.

جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی در ساعت ۹/۳۰ به ریاست حجت الاسلام رفسنجانی تشکیل شد. اولین ناطق قبل از دستور جلسه دیروز ابوالحسن حسینی، نماینده مینودشت، درباره وضع حوزه انتخابیه خود از جمله گفت:

کشت و کشا ورزی در منطقه گرگان و کنبد به علت عدم توجه مسئولین در حال نابودی است. مجلس باید هر چه زودتر وضع مالکیت را روشن کند. بسیاری از زمینهای کشا ورزی از جمله باغ ۹۸۰ هکتاری اشرف پهلوی به علت عدم رسیدگی به وضع آنها بدون استفاده مانده اند...

دومین ناطق قبل از دستور، غلامحسین حقانی، نماینده بندر عباس، نیز درباره حوزه انتخابیه خود و مشکلات مردم آن نواحی سخن گفت.

آنکه کامالی‌نیا، نماینده قوچان، ضمن بر شماری گوشه‌ای از مشکلات مردم قوچان و حومه، از جمله مشکل آبیاری زمینهای کشا ورزی گفت:

با سد سازی می‌توان و با ایجاد تلف شدن ۸۰٪ آبهای مملکت جلوگیری کرد و آنها در جهت آبیاری زمینهای کشا ورزی استفاده نمود.

وی در پایان سخنان خود خواهان برقراری معیارهای دقیق برای تصفیه در ادارات و وزارتخانه‌ها شد و گفت:

علاوه بر آن نباید کمسانی را که تصفیه می‌شوند به حال خود گذاشت، تا هر کاری که می‌خواهند بکنند. باید آنها را تحت کنترل قرار داد و نگذاشت، که علیه انقلاب کار کنند.

آخرین ناطق قبل از دستور جلسه دیروز احمد عظامی، نماینده اراک بود. وی ضمن بر شماری علنی که دولت فرانسه به امام خمینی، در قبال از انقلاب اجسازه اقامت در آن کشور را داد و تویز تضمیناتی که علیه امام فرام آورده، گفت:

دولت فرانسه وسایر دول غربی که ادعای پناه دادن به آزادیخواهان را داشتند، اکنون به افسران فراری پناه داده‌اند. به افرادی که طرفداران رژیم کودتا هستند، به جلادان و کشتار کنندگان مردم... آنها بی که اکنون از عوامل اصلی توطئه علیه انقلاب ما هستند و کانونهای توطئه ایجاد کرده‌اند، کسانی که کارشان در تمام ابعاد سیاسی- نظامی خود جریان دارد. این افراد اکنون گروه‌های تروریستی ایجاد کرده‌اند. وحشی طرفداران انقلاب اسلامی ایران در خارج از کشور را نیز مورد ضرب و شتم قرار میدهند.

وی در پایان سخنان خود خواهان کنترل دولت بر بارزگانی خارجی ایران و نیز کار صرافیها، که مقادیر زیادی ارز را از

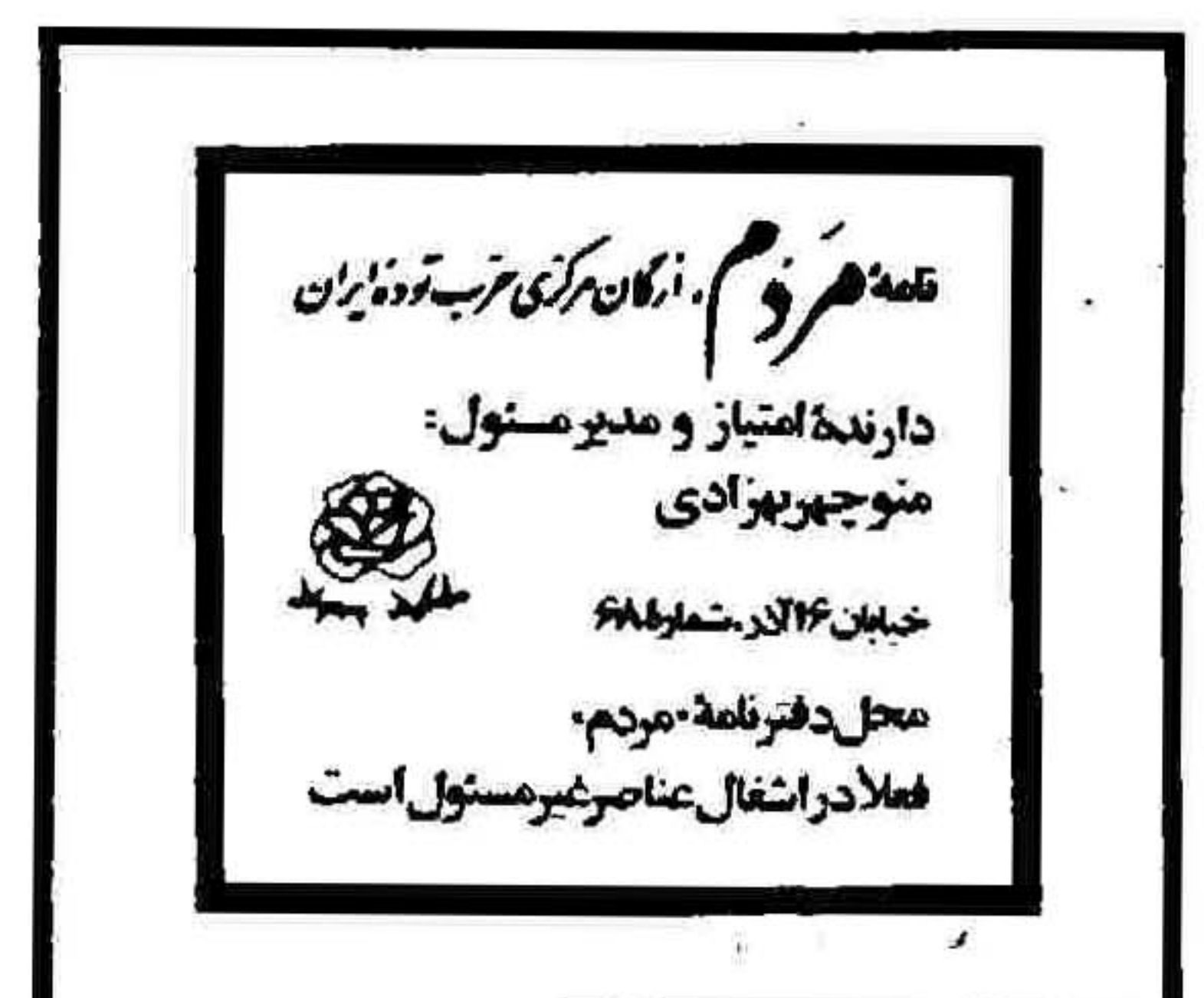
### اسرائیل - پایگاه...

منطقه صرفاً اسم و عنوان و ادعا نیست. ملاکی که مرزها را از هم جدا می‌کند، خط فاصل بین آنها را تعیین می‌کند، نحوه برخورد آنها، نحوه عمل آنهاست نسبت به انقلاب ایران و سایر نهضت‌های ضد امپریالیستی در این منطقه. ملاک ما برای شناخت دوست و دشمن، نه عنوان ظاهری و دروغین آنهاست، نه برده ریایی است که برخی دولت‌های حاکم بر ملل اسلامی بر چهره خود می‌کشند، بلکه ملاک ما برای شناخت آنها برخوردی است که با انقلاب ما داشته‌اند. سازمان آزادیبخش فلسطین، و جبهه پایداری و دولت‌های تشکیل دهنده جبهه پایداری (سوریه الجزایر، لیبی، یمن دمکراتیک) در کنار انقلاب ایران قرار دارند.

دولت‌های سوسیالیستی در تمام طول مدتی که تبرد بین حق و باطل در خاور عربی و خاورمیانه ادامه داشته است، و به مثابه صادق‌ترین، بی‌گیرترین و تزلزل‌ناپذیرترین دوستان خلق‌های عرب و مردم انقلابی ایران عمل کرده‌اند.

این واقعیت را باید دانست که هر جا پای منافع عمومی قدرت‌های امپریالیستی در میان باشد، اینها علی‌رغم تضادهای خود، در برابر خطر مشترک در کنار هم قرار می‌گیرند. در برابر امپریالیسم نیز بین جنبش‌های آزادیبخش ملی، جنبش کارگری و دمکراتیک در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری و جامعه کشورهای سوسیالیستی و هر دولتی که حاضر باشد در کنار مبارزین ضد امپریالیست قرار بگیرد، یکی از شرایط عهد پیروزی بر دشمن است. و به همین جهت تلاش عمده تمام سازمان‌های جاسوسی دشمن و عمال آنها متوجه آنتیت که این مرز را در اذهان عمومی از میان بردارند و مردم را در شناخت دوست و دشمن دچار سرگیجه کنند.

ولی مردم قهرمان ما طی نیم قرن اخیر و به خصوص سال‌های انقلاب، آنقدر آبد دیده شده‌اند، آنقدر تجربه به دست آورده‌اند که دوست واقعی و صادق را از دشمن باز شناسند و نگذارند خطی که دوستان را، چه در پهنه داخلی و چه در عرصه جهانی از دشمن جدا می‌سازد، به دست سفسطه‌کاران از میان برداشته شود.



حرف آخر اینست: با دشمنان انقلاب ایران دشمن- عنوان و بلاک خارجی آنها هر قدر مردم فریب باشد. با دوستان انقلاب ایران دوست- ایدئولوژی و معتقدات سیاسی آنها هر چه باشد.

### گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقایع انقلابی از زیر این بار نجات داد



دهها میلیون نفر از اقلیت های نژادی در آمریکا، در فقر مطلق زندگی می کنند

حدود دو بیست سال زمان، که برای پیشبرد ملج و تامین حقوق اقلیت های نژادی در آمریکا تلاش می کنند، کنفرانسی در نیویورک برگزار کردند. در این کنفرانس، ضمن اشاره به وضع اسفنا را اقلیت ها در آمریکا، گفته شده است که، سیاستمداران آمریکا بی به محض آنکه صندوقهای آراء تعطیل شد، تمام وعده های خود را در مورد به اصطلاح بهبود وضع زندگی اقلیتها فراموش می کنند.

مبارزه خلق السالوادور علیه امپریالیسم آمریکا اوج میگیرد

همزمان با گسترش مبارزه خلق السالوادور علیه دارودسته دست نشانده این کشور، امپریالیسم آمریکا آماده می شود تا مستقیماً در السالوادور وارد عملیات شود. چند روزنامه آمریکا، از جمله روزنامه "سان فرانسیسکو اکزامینر"، گزارش دادند که هزاران تفنگدار دریایی آمریکا در کالیفرنیا شمالی، آلاباما و اوهایو، برای مداخله در السالوادور و سرکوب قیام خلق مبارز این کشور، آموزش می بینند. در کشورهای هم مرز با السالوادور نیز مزدوران بوسلیه عمال آمریکا تربیت می شوند. از جمله هم اکنون ما موران "سیا" بقایای گارد ملی سوموزا را در هندوراس آموزش می دهند تا از این مزدوران برای سرکوب مبارزه خلق السالوادور استفاده شود. همچنین نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه کانال پاناما با بمباران ماههاش درآمده اند.

از سوی دیگر سفارت آمریکا در سان سالوادور، هم اکنون عملیات علیه خلق السالوادور را رهبری می کند. تلاشهای امپریالیسم آمریکا برای مداخله مستقیم در السالوادور، در حالی شدت می گیرد که جبهه دمکراتیک انقلابی سازمان دربرگیرنده نیروهای چپ و سائیر نیروهای دمکراتیک - با پشتیبانی بیدریغ خلق ستمدیده، ضربات کوبنده ای به ارتش مزدوروارا در کرده است. در یک هفته اخیر، نیروهای مسلح "جبهه"، سربازان ارتش را در چند جبهه درهم شکستند. جبهه دمکراتیک انقلابی، از سوی دیگر برنامه یک اعتصاب سه روزه را اعلام کرده است.

حمایت رهبران موزامبیک و زیمبابوئه از مبارزات خلقی آفریقا علیه امپریالیسم

در پایان دیدار سومورا ما تل، رهبر موزامبیک از زیمبابوئه، اعلامیه مشترکی انتشار یافت. در این اعلامیه دو کشور همبستگی کامل خود را با مبارزه آزادیبخش خلقی آفریقا، اعلام کردند و بویژه از پیروزی های خلق نامیبیا در نبرد علیه نژادپرستان آفریقای جنوبی ابراز خرسندی نمودند. موزامبیک و زیمبابوئه همچنین تاج و تاج نژادپرستان را علیه آنگولا و زامبیا محکوم و تائید کردند که آفریقا زمانی آزادخواهد شد که قاطعانه هرگونه تسلط سیاسی و اقتصادی امپریالیست ها را طرد کنند.

انتشار جلد اول آثار ابوعلی سینا بزبان تاجیکی در تاجیکستان شوروی

جلد اول آثار ابوعلی سینا، بزبان تاجیکی در جمهوری تاجیکستان شوروی منتشر شد. بنا به تصمیم یونسکو، امسال هزاره ابوعلی سینا برگزار می شود. در جمهوری آذربایجان شوروی نیز فیلمی از زندگی ابوعلی سینا تهیه شده است.

آغاز پنجمین ماه اقامت فضا نوردان شوروی در سالوت ۶

فضا نوردان سقینه فضا بی سالوت ۶ شوروی، پنجمین ماه اقامت در این سفینه را آغاز کردند. پاپوف و رومین، فضا نوردان سالوت ۶، در چهار ماه گذشته، آزمایش های فضا بی بسیار گرگانها پی

آقای قطب زاده! سیاست غلط و زیان بخش را بادشنام به حزب توده ایران نمی توان توجیه کرد

امام خمینی، رئیس جمهور و تمام شخصیت های برجسته انقلابی مذهبی و سیاسی، دولت موقت را یک دولت ناموفق می دانند. البته هیچ کسی منکر نیست که در دوران پس از انقلاب کم و بیش کارهای مثبتی انجام گرفته است. اما همه معتقدند که کارهایی که انجام گرفته در مقایسه با آنچه می توانسته است انجام بگیرد، بسیار ناچیز است. دولت موقت، یعنی حکومتی که پس از انقلاب تشکیل شد و تا تشکیل دولت جدید مسئول امور است، در هیچ رشته و زمینه ای نتوانسته است پا به پای انقلاب شکوهمند ایران به جلو گام بردارد و هر گام کوچکی را نیز مستقیماً زیر فشار مردم وامام خمینی، زبان گویای توده ها، برداشته است. دولت موقت، که لنگ لنگان قدم بر می داشت، از توده ها، که با همان شتاب انقلاب به پیش ناخستند، فرسنگها عقب مانده است. اینست عملکرد دولت موقت به طور کلی و ارزیابی امام خمینی از آن. اما اگر ما بخواهیم عملکرد هر یک از وزارتخانه ها را به طور جداگانه بررسی و ارزیابی کنیم، باید بگوییم که عملکرد برخی از وزارتخانه ها، از جمله وزارت امور خارجه، نه تنها ناموفق، بلکه در بسیاری از موارد از خطا انقلاب ما خارج بوده است. علت این امر نه تنها عدم شایستگی مسئولان، بلکه همچنین ساخت و ترکیب این وزارتخانه است، که بدلیل وابستگی لاینفک آن به رژیم گذشته بدون درهم شکستن بنیادی آن، گماردنش به خدمت انقلاب ممکن نبود، چیزی که متأسفانه در دوران پس از انقلاب انجام نگرفت و این وزارتخانه هنوز هم بالاترین درصد سرسیردگان رژیم سابق را در آغوش گرم خود حفظ کرده است. وزارت امور خارجه در هر کشوری از مهمترین پایگاه های رژیم به شمار می رود و رژیم شاه نیز این وزارتخانه را به دلخواه خود دست چین کرده و مطمئن ترین هواداران خود را در آن جای داده بود. درباره عملکرد وزارت امور خارجه مردم ایران دل پری دارند. ما یک شخصیت انقلابی مذهبی و سیاسی، یک گروه یا سازمان سیاسی انقلابی، یک روزنامه یا مجله انقلابی و حتی یک فرد عادی انقلابی را نمی شناسیم که در تائید فعالیت آقای قطب زاده، به عنوان وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران،

کلمه ای بر زبان آورده باشد. آقای قطب زاده گناه همه ناگامی های شان را به گردن "حزب توده خائن" می افکنند و می گویند، مخالفت "حزب توده" با ایشان "موجب افتخارشان" است. ماهم مخالفت کسانی مانند قطب زاده را با حزبمان برای خودمان افتخار می دانیم، کسانی که دشنام ها و اتهام های محمدرضا را در مورد حزب ما تکرار می کنند. و اما در واقع ناسزاگویی ها و اتهام زنی های قطب زاده به حزب توده ایران - که نه ایشان افتخار ابتکار آن را دارند و نه از جانب ایشان تازگی دارد - به خودی خود مسئله قابل اعتنایی نیست که لازم باشد در پاسخ به آنها وقت صرف کرد.

اینهمه که آقای قطب زاده با سیاست و روشی که اتخاذ کرده اند، شخما به کجا می روند، خود دانند. اما تا وقتی که در راس وزارت امور خارجه جای دارند و تصمیماتشان می تواند با سرنوشت مردم ایران، با سرنوشت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، تماس پیدا کند، با هیچ بی نزاکتی و فحاشی نمی توانند گریبان خود را از چنگ ما برهانند. (بد نیست خوانندگان ما بدانند که آقای قطب زاده در نطق خودشان در مجلس، همان جا که حزب ما را "خائن" می نامند، ادعا می کنند که "روش ایشان بر ادب و متانت استوار است!")

از جزئیات بی اهمیت سخنان آقای قطب زاده در حضور نمایندگان مجلس می گذریم و تنها درباره یک مسئله کلی بحث می کنیم و آن استنتاجی است که ایشان به قول خودشان از روش پیامبر و علی کرده اند و اصل "عدم مداخله در امور" را طبق سنت پیامبر و علی در سیاست خارجی ایران به کار بستند. ببینیم آقای قطب زاده به این اصل چگونه عمل کرده اند.

بزرگترین اصل انقلاب ایران به گفته امام خمینی، عدم سازش با امپریالیسم آمریکا - شیطان بزرگ قرن بوده و هست. اما فعالیت آقای قطب زاده و وزارتخانه تابع ایشان، در عکس این جهت سیر کرده است. در حقیقت تمام تلاش آقای قطب زاده در جهت ایجاد زمینه و هموار کردن راه برای مداخله با آمریکا بوده و در این راه حتی از شیوه ها و وسایلی که کمترین وجه تشابهی با اخلاق اسلامی ندارد و نمی تواند داشته باشد، دریغ نشده است: جعل خبر توقیف شاه سابق در پاناما، جعل پیام دروغ کارتر به امام، خودداری از انتشار اسناد و مدارک کنفرانس بررسی جنایات آمریکا در ایران، آوردن رمزی کلارک معلوم الحال، به نام "انقلابی" به این کنفرانس، دعوت سران انترناسیونال سوسیالیستی - هم مسلکان شاپور بختیار - به ایران، حمایت از گروه های آمریکایی "مسلمانان" افغانستان، نزدیک شدن به پاکستان و ترکیه، دو کشوری که دست نشانده امپریالیسم آمریکا هستند، تلاش برای احیای سنتو از طریق دیپلوماسی مخفی، لاس زدن با چین، متحد وفادار آمریکا، تخطئه سوریه، لیبی، سازمان آزادی بخش فلسطین، یمن دموکراتیک در کنفرانس اسلامی پاکستان و همدستانان با عربستان سعودی، پاکستان مراکش و سایر دولت های مترج و دهها اقدام کوچک و بزرگ دیگر، که همه و همه بر خلاف اصل "عدم مداخله در امور" بوده است.

تلاش قطب زاده برای آزادی گروگان های جاسوس و درگیری با دانشجویان مسلمان پیرو خط امام نیز جز این هدفی نداشته است. قطب زاده در گفته هایش در برابر نمایندگان مجلس می خواهد این عدم اصولیت را با عوام فریبی پرده پوشی کند.

از وی می پرسند که چرا ایران باید در کنفرانس اسلام آباد شرکت کرده باشد و نماینده ایران در ردیف مرتجع ترین نمایندگان کشورهای اسلامی علیه کشورهای مترقی موضع بگیرد؟ قطب زاده مسئله محل و مکان کنفرانس را پیش می کشد. روشن است که مسئله محل و مکان اهمیت درجه دوم دارد. می توان در کنفرانسی که در واشنگتن، قلب دنیای ستم، برپا می شود، شرکت کرد و بد نفع ستمدیدگان عمل کرد. اما قطب زاده در کنفرانس اسلام آباد، ایران انقلابی را در صف عربستان سعودی و پاکستان و غیره جای داد، چیزی که خواست امپریالیسم آمریکا، دشمن شماره یک انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بود.

از گفته آقای قطب زاده در مجلس چنین بر می آید که ایشان در عملشان استقلال وسیعی داشته اند، و اگر طرز فکر و شیوه عملشان در جهت مصالح انقلاب بود، می توانستند، مصدر خدمات برجسته ای بشوند. متأسفانه آقای قطب زاده به این اصل اساسی انقلاب ایران، که دشمن اصلی خود را امپریالیسم آمریکا می داند، اعتقاد ندارند و سیاستی را در پیش گرفته اند که بیشتر در جهت

انجام داده اند. در این مدت دو اکیسیب فضایی شامل فضا نوردان شوروی، پنتاگون و مجارستان گرفته، سالوت ۶، همگی مدت دو هفته با پاپوف و رومین به انجام آزمایش های مشترک دست زدند.

امپریالیسم آمریکا تدارکات جنگی خود را در آفریقا نوس هند گسترش می دهد

تدارکات جنگی امپریالیسم آمریکا در آفریقا نوس هند و خلیج فارس بی وقفه ادامه دارد. بنا به گزارش شبکه تلویزیونی ای - بی - سی، آمریکا موفق شده است که حق استفاده از بنادر سومالی را برای نیروهای خود بدست آورد. آمریکا با لیسیم آمریکا قبلاً با کنیا و عمان نیز به توافق های مشابهی رسیده بود. از سوی دیگر، مقام های پنتاگون اعلام کردند که هزار و هشتصد تفنگدار دریایی آمریکا، سوار بر ۴ کشتی جنگی وارد آفریقا نوس هند شده اند و قرار است به ناوگان آمریکا در نزدیکی سواحل ایران ملحق شوند. تفنگداران آمریکا یسی ظاهراً مانور "پیدا شدن نیرو در سواحل عمان را انجام خواهند داد. تدارکات نظامی روز افزون امپریالیست های آمریکا در آفریقا نوس هند و خلیج فارس، جدا با عت نگرانی خلقی منطقه شده است.

مخالفت روز افزون با رژیم دست نشانده ضیاء الحق در پاکستان

رژیم رسوای ضیاء الحق، که پاکستان را به پایگاه تجا و ژان آمریکا تبدیل کرده است، با مخالفت روز افزون روبرو میشود. نمرت بوتو، رهبر حزب مردم پاکستان، سیاست دولت آمریکا را در مورد مداخله آشکارا روبرو ما نه در مورد خلیج پاکستان محکوم کرد. نمرت بوتو گفت: رژیم ضیاء الحق از "بودجه اهدایی" از خارج، برای تربیت و آموزش خراب کاران افغانی استفاده می کند. از سوی دیگر حزب "تحریک استقلال پاکستان" از مردم خواست که به سرای سرتگون کردن رژیم ضیاء الحق مبارزه را گسترش دهند. یکی از رهبران برجسته حزب اعلام کرد که رژیم ضیاء الحق هیچ پایگاهی در میان مردم ندارد.

بقیه از صفحه ۱

اوباشان قاسملو...

ریائی، بشدت مجروح شدند، که خوشبختانه حالتی رو به بهبود است. بعد از ظهرها نوز، آن نفرا زرقای ما بخاطر فروش نامه مردم، توسط همان افراد دستگیر و به اصطلاح شورای نظامی گروه قاسملو برده شدند. در آنجا، آنها را مورد تهدید قرار دادند و از آنها خواستند که از فروش نامه مردم خودداری کنند. از جمله کسانی که زرقای ما را مورد توهین و دشنام قرار دادند، کریم حسان مسئول حزب دمکرات قاسملو در مهاباد بود.

وحشت گروه قاسملو، از حزب توده ایران و افشاگری های مهلک (مهلک برای آنها) "نامه مردم" طبیعی است. هر یک از این افشاگری ها چون تیغی برنده، نقیصه عوام گریبان نه ای را که در "دفاع از حقوق خلق کرد" بر چهره کشیده اند، می در دو ما هیت زشت و خائسانه آنان را بر خلق کرد می نمایاند، خلق را هشیار و سالومان را رسوا و منفرد می کند و تمهیدات آنان را برای کشاندن خلق کرد به ورطه نابودی بی اشر می سازد.

حزب توده ایران بی گریزترین دوست خلق کرد بوده، هست و خواهد بود و تا می تلاشها و خشم و کین دیوانه و دشمنان خلق کرد، هیچگاه به ما زدا شدن حزب ما در پیمودن راهی کسسه می رود، قادر نخواهد بود. گروه قاسملو کافست نگاهی به تاریخ ۴۰ سال گذشته حیات حزب توده ایران بیبنا زد.

مخالصه بوده است، تا مبارزه.

قطب زاده، در مجلس می گوید: "آنچه در زمینه سیاست خارجی انجام شد، در یک چهارچوب معین و مشخص نبود و ناظر بر این بود که شخصی وزیر امور خارجه، آن طوری که مصلحت می بیند، از توجه به مقتضیات عملی کند."

هر کس که واقعا در خط امام باشد، اینقدر استقلال عمل داشته باشد، بی تردید مبارزه با آمریکا را بر مصالحه با آن ترجیح می دهد. آقای قطب زاده برعکس رفتار کرد، زیرا بر حسب اعتقادات سیاسی خود آمریکا را دشمن شماره یک ایران نمی داند، ولی پاکستان و ترکیه و چین را دوستان نزدیک ایران به شمار می آورد. این موضع عقیدتی آقای قطب زاده که با موضع آن عده از کارکنان وزارت امور خارجه که زمینه را برای اتخاذ تصمیمات سیاسی آماده می کنند و اغلب آنها طرفدار "مخالصه" با آمریکا هستند نه مبارزه، چنان هم آهنگ و موافق است که هر اقدام وزارت امور خارجه ایران در دوران پس از انقلاب در یک جمله خلاصه می شود: تلاش برای مصالحه با آمریکا

عملکرد وزارت امور خارجه ایران در دوران پس از انقلاب لزوم پاکسازی این وزارتخانه از "سیاست سازان" طاغوتی را با حدت هر چه بیشتر مطرح می کند. آقای قطب زاده که جای خود دارند، هر وزیر مطلع و با حسن نیت، انقلابی هم که بعداً در راس وزارت امور خارجه قرار گیرد، نمی تواند گریبان خود را از کارکنانی این خوابگاران و جو فاسدی که در آنجا حکم فرماست رها کند. وزیر بدون کارمند انقلابی و دلسوز مانند نجار بدون ابزاری است که از زیر دست آن هرگز ساخته کاملی بیرون نخواهد آمد.

آقای قطب زاده مدعی است که هزار نفر را بیرون کرده، لیکن نتوانسته است ۶۰ نفر جدید را استخدام کند. این هم ناشی از طرز فکر بوسیده طاغوتی است که در وزارت امور خارجه ایران حکم فرماست و هر عنصر جدید را با هزاران اشکال تراشی از کالبد طاغوت زده خود بیرون می راند. اگر آقای قطب زاده با مقولات انقلابی فکر می کردند می توانستند به جای ۶۰ نفر، صدها نفر راه عضویت وزارت امور خارجه ایران بپذیرند. مگر تعداد روشنفکران و دانشجویان و کارگران انقلابی کم است؟ مگر انقلاب های مردمی دیگر چه کردند؟ یک کارگر فهمیده را انتخاب کردند، شش هفت ماه او را تعلیم دادند و به کار در وزارت امور خارجه گماشتند. مگر خود آقای قطب زاده وزارت کرده بودند که امروز خودشان را لایق ترین وزیر امور خارجه ایران می دانند و مدعی هستند که هیچ اشتباهی از ایشان سر نزده است؟ آیا در یکسال و نیمی که از انقلاب می گذرد، نمی شد از میان فرزندان طبقات مجروح دویست - سیصد نفر را انتخاب کرد به آنها درس داد و آنان را در سفارت خانه های ایران به خدمت گماشت؟ طاغوتیانی که در وزارت امور خارجه مسکن گرفته اند، هرگز به قبول این جوانان به عنوان دیپلومات راضی نمی شوند. اما مگر انقلاب ایران باید تا ابد اسیر کار شکنی های عمال رژیم سابق باشد؟

در وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، برای آنکه پاسخگوی نیاز جامعه انقلابی ما باشد، باید خانه تکانی اساسی صورت گیرد، هم در زمینه تصمیمات سیاسی و هم در زمینه مجریان این تصمیمات. ما امیدواریم که دولت آینده این هر دو مشکل را به شیوه ای انقلابی حل کند.